

حکومت برخیزند دو فرقه دیگر بر حایہ او خواهند بود

علاوہ بر اینکه سپاہ الدولہ دانا و واقف است تا یکدرجہ ہم محبوبالقول ملت واقع بود اگر مشروطہ خواہان بواسطہ حمایتیکہ بہ نصرالدولہ نمودہ خوشنود نبودند ولی از شخص ایالت راضی و این فعل او را نیز مبنی بر حکمت و سیاست میدانستند

دلیل دیگر کہ بر اغراق این تلگراف دلالت میکند این است، پس از رسیدن تلگراف روتر یک از نجار محترم بمبئی چگونگی را تلگرافاً از شیراز استسار نموده چنین جواب یاقہ است (شہر امن و حکومت با اقتدار) و عین این تلگراف را بہ کلکتہ مخبرہ نمودند

روزنامہ پانیر برطبق خبریکہ ہا رسبده ۶ دسمبر نیز چنین خبریاقہ است « اغتشاش شیراز بقسمی کہ سخت راپوت شدہ بود نیست - شہر امن و ایالت مقتدر است »

بر فرض کہ صرف نظر از جمیع این مراتب ہم شود اینک ہفت روز ازین تلگراف میگردد این حادثہ اہم چنانچہ روتر خبر میدہد تا این درجہ سکوت غنہ و بی عقبہ می ماند

با این ہمہ بارہا نوشته و باز ہم مینویسیم کہ امنیت فارس نہ با ہمراہی نصرالدولہ حاصل خواہد گردید و نہ با دوستی صولت الدولہ، نہ انجمن ایالتی کاری ازپیش تواند برد نہ عدایہ و بلدیہ و نطیبہ وغیرہ امنیت فارس اردوی مرتب و قوہ منظم درکاردارد قبل از ہر اقدام ایالت باید بہ تشکیل اردوی صحیح بہ پردازد ورنہ مجبورست کہ ہمراہ خویشین را تسلیم یک رقیب دارد باز ہم توجہ ایالت وکابینہ وزرا را بہ تشکیل یک اردوی صحیح در فارس مطوف میداریم و باواز بلند میگویم طسام سازپہای دورہ سابق توب و تشرہای زمان استبداد، ماست مالی ہا، رقیب تراشی ہا، و قندہ سازپہای عہد ناصرالدین شاهی ازین و بعد بہ درد نمی خورد و بیج وجہ اثر نمی بخشد، حکومت مضویت میخواہد نہ صورت ظام، و مضویت برای یک حکومت وقتی حاصل خواہد گردید کہ دارای قوت و استبداد

کافی برای حفظ امنیت باشد، بچہ دانایان گفتہ اند « تدابیر سیاسیانہ جز بایک قوہ قاصرہ مؤثر نتواند گردید »

(۱۷ ذیقعدہ - دوم دسمبر)

تلگرافی از پترسبرگ بدین عنوان رسیدہ است دولت ایران رسماً بدولت روس کمال تأسف را از حملہ کہ بقونسل او (بن راہ شیراز بہ بوشہر) شدہ اطہار و متحد شدہ است کہ مجرمین را بسزای واقعی رسانیدہ خسارہ کہ وارد نمودہ اند از آنها باز یافت دارد

جدال المتین

مسلم است دولت ایران باید ازین گونه واقعات ناگوار رسماً اطہار تأسف نمودہ روابط بین المللی را محفوظ دارد، حرف درین است کہ آیا مطالبہ غرامت روس درین گونه موانع قانوناً درست است یا نہ، ہرگاہ درین موضوعات مانند مسئلہ پیلہ سوار ازروی سہو فوری وزارت خارجه تسلیم شود کار خیلی دشوار خواہد شد ولی مارا کمال اطمینان و اعتماد ب سیاست و دانش جناب علاءالسلطنہ میباشد کہ مرکز قافیہ را بناختہ وخواہند باخت، بدو باید تحقیق شود کہ این واقعہ سازش بودہ یا نہ، محرک این امرکی بودہ و مرتکبینش کدام طایفہ اند، سپس بہ قوہ قہریہ محرک و مرتکب را سرکوبی نمودہ بسزای وافی برسانند

ما ازجناب وزیر داخلہ خواہش مینمایم تاوقتی ادارات قانونی نشدہ درتحقیق امور فقط بہ تلگراف و اخبار نکاری مأمورین بی ناموس صحنہ صری باستبداد گذرانندہ قناعت نفرمایند، چہ ما می بینیم کہ در واقعات و اغتشاشات جنہوب از فارس گرفتنہ تا کرمان و بلوچستان و خلیج ہنوز اثر تلگرافات کاذبہ و رپورتہای غیر صحیحہ مأمورین خانہ اسر را بایشان مشتبہ داشتہ است وخیل ازین گونه تلگرافات و اخبارات بادارہ ہم رسیدہ و پس از تحقیق کذبش مبرهن گردیدہ است

بہر صورت سزای مرتکبین جملہ بر قونسل روس لازم ولی تحقیق این سازش زبندست آوردن محزین آن الزم است و ما ہم ہر صدد تحقیق هستیم تا پردہ از روی این سازش برداشتنہ شود

سواحل ایران توجه فوری و اقدام

(عاجل می طلبد)

برای تفهیم مطلب و تشریح معنی لازم است در این موضوع مهم پاره تحقیقات ابتدائی سکه حاوی تفصیلات جغرافیائی و طبیعی این خطه بزرگ باشد بخانیم و پس از آن بذکر مطلب اصلی که انطاف خاطر اولیاء ملت و دولت باشد پردازیم ، چنانکه همه میدانند این جریده ملیه از بدو تشکیل تا کنون کرا را در این خصوص مباحثات طولانی و مقالات مبسوط داشته و همواره میخواسته اهمیت مقام و عظمت موقع این سواحل را که بمنزله بابالابواب مملکت ایران است مورد دقت و معرض توجه اولیاء امور بسازد و در ضمن آن مقالات سابقه نام مطالب و نکات سیاسی را سکه مربوط بدین موضوع بوده موبو و بی پرده اظهار داشته تا بان مقصود عالی سکه پیش نهاد خاطر ما در هر باب میباشد (یعنی حصول اصلاحات لازمه) نایل عویم ولی چنانکه در اغلب موارد اساق افتاده است ابدأ توجهی بدین مسئله مبذول نگردید و مطالب دیگر هم که میباشد فوراً تصفیه و تفتیح شود کان لم یکن و سکوت غنه ماند ، متروک داشتن آن مطالب باوجود ضرورت و اهمیت تامه به نسیایه خرابی های گوناگون بود که اکنون بر همه دانایان محنی و مستور نیست بلکه علاوه بر آن از برای آنها سکه دلسوز بحال ملک و دولت میباشد یک نوع دلگیری و دماغ سوختگی هم فراهم می آورد که دیگر از آن شور و شوقی که برای اظهار مطالب مفیده دارند ماطله مانده و جرئت و اشتیاقی بتشریح سایر چیزهای مهم نخواهند داشت ، ولی جای شکر است که این قاعده کلیه در مورد جبلالتین کارگر نیفتاده و انشاءالله نخواهد افتاد و بحولالله و قوه در هر مطلب و موضوعی که دارای اهمیت و در خور اظهار است تا آنجا سکه مقدور داریم بارها سخن رانده و درآینده هم از آن فروگذار نخواهیم نمود بلکه با یک نوع جرئت و دلگرمی تازه که حالا از پیش آمد امور مملکت خود داریم از تاکید این گونه مطالب مهمه ابدأ دست نمیکشیم ، چرا که میان این دوره جدید با اجواز سابقه یک فرق و اختلافی بزرگی می بینیم و

اعتقاد و اعتماد داریم که از درستکاری و وطن خواهی اولیاء امور حالیه غالی از این قبیل مواد بحسن توجه تلقی نماید -

اهمیت خلیج فارس

سواحل ایران از یکصد و پنجاه سال تا کنون مطرح افطار و مطرح ابصار سیاسیون اروپا خاصه انگلیسان بوده و هست و میتوان گفت امروزه برای اعمال دقیق دیپلماتیکی و بروز هنرهای پولیتیکی بهتر از این هیچ عرصه و میدانی در تمام عالم یافت نمیشود ، چه تا مدتی دراز بساط شطرنج بازی سیاسیون انگلیس و روس بوده و حالا که نظر بانهاد دولتی آن رقابت کهنه در خلیج مرتفع شده البته دیر یا زود پولتیک دانان انگلیس و آلمان آن خطه وسیعه را نزدیک خود قرار داده بر اهمیتش می افزایند (چنانکه حالا هم تا درجات شتی افزوده اند)

نظر سراسری بجزرافیای خلیج

سواحل مذکور که از دمنه عمیره و شطالعرب شروع میشود و تا بندر (گوتر) در ساحل بلوچستان انتها می یابد مساحتش بالغ به بیست هزار میل مربع و طولش متجاوز از دویست و پنجاه الی سیصد فرسخ است ، عده نفوس اگرچه بطور تحقیق تا کنون معین و مطرح نشده چونکه سر شماری درستی در ایران جاری نبوده و این احصایه اخیر هم معلوم نیست در این خطه بطور دقت و درستی اجراء یافته باشد ولی از قرار ظنیات جغرافیا دانان به پانصد هزار میرسد و بافضل از حیثیت تجارت یک اهمیت و عظمت مخصوصی کسب نموده ، چه بعد از نقصان تجارت روس در آن ساحل از این دو سال باین طرف تجارت آلمان پیشرفت و رونق وافر دران پیدا کرده و تا اندازه که میتوان پیش بینی کرد هیچ علتی برای عدم ترویجش در آنیه وجود ندارد و ممکن است که عمأ قریب پیشتر از پیشتر رونق گیرد ، علاوه بر آن دولت ژاپون که بعد از جنگ با روس هر دقیقه از اوقات خود را برای پیشرفت تجارت و توسعه صنعت و ازدیاد روابط تجارتی خود مصروف داشته است عمأ قریب بهمان خیالات بلندی که در این کار دارد عطف نظر بجناب خلیج فارس خواهد نمود و شرکتهای جهازات تجارتی خود را پارسا

حسن موقع خلیج

يك مزیت عمده دیگر که صنعه خلیج دارد این است که بواسطه قرب جوار آن بمالک خارجه و سهولت حمل و نقل خیلی مقاش برای تاسیس کارخانجات و فابریک مساعد و موافق است، سهو بزرگی که ایرانیان از حیثیت صنعتی کرده اند آنست که بمخالفت با این مرکز کارخانجات و فابریکهای آنها لزوماً در شهرهای داخله باشد و حال آنکه این مطلب بواسطه دشواری حمل و نقل خیلی مانع از پیشرفت کار میشود چنانکه تا بحال در چندین مورد بجزیره رسیده است که کارخانجات دایره در داخله بواسطه همان سبب مفروضه بجای نفع و فایده نقصان داده است، گذشته بر این از تجربیات و اعمال دیگران بخوبی ظاهر میشود که دستگاه کارخانجات و فابریکها باید در محلی باشد که موجب وسایل حمل و نقل آت کامل و موجبات تسهیل را بخو تام دارا باشد و در داخله مملکت جایی مانند بندر برای اینکار بکار نمبخورد، آنهایکه هندوستان آمده و در امور آن عور دارند میدانند که بندر کراچی تا مدتی پیش از این از حیث آبادی و عمران و اهمیت تجارتی و صنعتی ماری و حتی از حیث بندر عباس هم پست تر بود ولی چون سهولت حمل و نقل را داشت و برخلاف داخله هند مقتضیات کار در آن موجود بود احاطل مرکز تجارتی و محل صنعتی عمده هندوستان شده و بعد از کلکنه و بمبئی از حیثیت تجارت کل اهمیت را دارا میباشد، هیچ کدام از بندر خلیج حتی چاه بهار هم از آت مناسبی که کراچی برای مرکزیت صنعت داشت ماری نمیباشد بلکه هر يك از آنها در این خصوصیات با آن بندر مساوی و معادل است و از ایجابست که میگوئیم چه امروز و چه فردا خلیج فارس باید مرکز صنایع و کارخانجات و فابریک ایران بشود و این مزیت آنرا که حالا بواسطه عنلت خودمانست مستور و مخفی مانده بکار برده شود و گرنه تا سهولت حمل و نقل و قرب جوار با خارجه و بازارهای عمده دنیا در محلی موجود نباشد ممکن نیست که آت محل برای مرکزیت صنعت انتخاب گردد یا سرمایه بجهت تشکیل دارالصنایع و فابریکها در آنجا خرج شود چونکه فی الحقیقه، همچو سرمایه بندر رفته و ضایع شده است.

کشتیها بخلیج تریب و تشویق خواهد کرد، تجار ژاپنی هم از این فرصتی که با آنها داده میشود بطوری کامل صرفه برده و بدون فوت وقت برای اوتناط خود با ایران تشکیل شرکتهای بزرگ خواهند داد و آتوقت شبهه نیست که این دو رقیب تجارتی اروپائی با يك رقیب آسیائی هم در این میدان دو چار میشوند که اگر آنها را بکلی مغلوب نسازد ثلمه و صدمه بزرگی تجارتشان وارد خواهد آورد باید دانست که حالا کله دول بیدار عالم بکلی مسلک خود را به ترویج تجارت انحصار داده و هر قوه و قدرتی را که دارند در اجراء حکمت عملی خودشان از راه تجارت مصروف میکنند و هر خوی که دارند نه از وفور قواء حریه بلکه از ازدیاد تجارت رقیب خود شان میباشد و قدرت نفائی را نه قطع برای مقهور ساختن بکدیگر در جنگهای خونخواره و حشیانه است بلکه بیشتر از جهت حفظ تجارت و پیشرفت صنعت خود شان میباشد، امروز صفحه خلیج ایران برای این مقصود يك بساطی است که کمتر در دنیا نظیرش یافت میشود و اگر هم یافت بشود مانند خلیج خالی و محلا بطبع نیست و از این روست که می بینیم دولت ناروی (ناروژ) با آنها تبعاعد بین که با ایران دارد و با وسایلی که هیچ رابطه تجارتی یا بلندیکی با خلیج یا با ایران نداشته است در این اواخر قونسولی در بندر بوشر معین کرده و شاید تجار خود را هم بامتداد روابط تجارتی بخلیج تریب و تشویق نماید برای اینکه میدانند اگر در ایجا دستش بند شد بی شک بمخائن نافع و منید خواهد بود.

ولی در معادل این تجارت اجانب که هر ساله بالغ بمچندین کرور لیرای انگلیسی است مالالتجاره صادره از سواحل ایران باندازه کم است که ابدأ نمیتوان آنرا با واردات مقایسه نمود و بلکه تمیشود بگوئیم که صادرات مذکور مطابقه با يك ثلث واردات میناید معلوم است اگر این وضع ناانجبار تا اندک مدت دیگر پایدار و برقرار بماند از تجارت سواحل خلیج فقط اسی آنهم ناقص باقی میناید و کار چنان سخت و دشوار میشود که علاجش از قوه دانایان بزرگ هم خارج خواهد شد.

« اهمیت سیاسی خلیج »

برای اهمیت سیاسی سواحل ایران همین بس که متر کلادستون رئیس الوزرای مشهور انگلیس همواره بگفت وقتی میرسد که این نقطه منفرداً میدان سیاست یاسیون خواهد شد و صاحب کتاب (مسئله ایران) نظری همیق در کلیه مواد پلنکی ایران داشته بطوری در اهمیت این صوبه شرحها گفته و سخنها باده است که درجش تطویل و اطباب را لازم میسازد امیر عبدالرحمن خان افغانی در تمام عمر خویش ست تاسف میبود و هماره ذکرش این بود که گر يك بندری در مملکت خود داشتم آنوقت میتوانستم هم خودرا از شکار بودن محفوظ و مصون دارم و هم قادر میشدم که در عداد شکارچیان داخل شده و بمقاصد عالیة که در نظر دارم برسم و با خلاف خودش سپرده که هر طور است برای حصول يك بندری سی و مجاهدت کنند ولو اینکه بوا گذاشتن قسمت عمده از مملکت خودشان باشد . سی و اهمی که دول اروپا در پیشرفت تجارت خود شان در خلیج داشته و دارد بروسی آفتاب ثابت میکند که بر این کاسه هزاران نیم کاسه ها موجود است و عوامل سیاسی سواحل فی الحقیقه در این اواخر برای دانایان سیاست که میخواهند دارای تجربت و بصیرتی شوند خیلی فایده دارد ولی بدبختانه چون ما ایرانیان دیپلوت و دستکاه دیپلومات سازی نداشته و نداریم البته نتوانسته ایم از این مزروعۀ نفیسه که نمراتش موجب انتفاع عالم شده نصیبی ببریم و فایده حاصل نکنیم ، اما حالا دیگر اگر باز مانند سابق دست روی دست نهاده و آسوده و قانع نشسته بهمان رخاوت و سستی سابقه باقی بایم و تفهیم که کشتی پلنیک در کدام لجه افتاده و بچه سمت میرود نباید منتظر باشیم که سیاسیون بزرگ و توانا چندان فرسقی با بدهند که مقام خود مان را در خلیج محفوظ نگاهداریم و از مضرات واضحی که روی بدین مملکت آورده آسوده بایم ، صاف باید گفت اگر از طرف مصادر امور به نکات فاضله سیاسی سواحل فوری عطا نظری نمود و اصلاحات لازمه که برای حفظ و نگاهداری این مملکت وسیع کمال ضرورت دارد در آتیۀ قریب بعمل نیاید باید فوراً از حقه (کنترول و انضباط)

ایران در آنجا چشم پوشیده و مریای آن شد که بتدریج اقتدار دولت ایران در آت ساحت روی باضمحلال نهاده و عاقبت الامر مابود صرف شود ، لازم باظهار نیست که خدای نخواستہ در همچو صورتی تا چه اندازه علایم انقراض و خرابی بمصه ظهور میرسد و تا کدام اندازه موجبات فنا و انهدام قومیت پیش میاید

« حالت حالیه سواحل »

بایست بدانند که سواحل ایران در این دقیقه حاضره در حالت بحرانی است و هیچ امری از امور ملی مانند تنظیم و ترتیب امور سواحل اهمیت سیاسی و بین الدولی را دارا نمیباشد چشمهای دو دولت مقتدر عالم که در سیاست دنیا دارای مقام اعلی و اقتداری فوق التصور ما میباشد بسوی این فضای خالی دوخته شده و آتی برداشته نمیشود ، اختلال کارهای سیاسی ما در آنجا از حد اعتدال بطوری تجاوز کرده است که حتی شاگردان مدارس پلنیک هم ملتفت شده و میشوند ، آتیۀ آن خطه با وجود این اوضاع حالیه بیهینق تاریک ، مظلم بنظر میاید که هیچکس نمیتواند از اطراف حقیقت چشم بیوشد و عرض آن را در خدمت آورد ، امور بوقتی دیگر محول نماید یا اینکه تنظیم امور آنجا را کتر از امور لازمه دیگر که منتظر اصلاح و تصفیه است تصور نماید این است که حالا میخواهیم بدانیم حالت حالیه سواحل بر چه نهج است ؟

چنانکه سالهاست در ایران مرسوم بوده هر نقطه که از مرکز سلطنت دور تر واقع میشده کتر محل توجه اولیای دولت گردید و امور آن همواره در بونه اجال و عهده نییان مباحثه است کما اینکه این صوبه جنوب از يك صد و پنجاه سال تا بحال ابداً گاهی منظور نظر اولیاء امور نمیشد و فقط آن وقت متذکر از وجود این صوبه میشدند که موقع وصول مالیات و اخذ پایدات یا نصب حکام جدید و گرفتن پیشکشهای هنگفت میرسید و آنوقت هم موقتاً یعنی تا زمانیکه مذاکره پیشکش در میان بود اسم سواحل بر زبان ایشان جاری میشد و بمجردیکه آن کار تصفیه می پذیرفت آن اسم هم از زبانها می افتاد و دیگر این صوبه از خاطرها میرفت ، درست است که در این دوران دنسک و نیم اخیره آوازه مشروطیت

و عدالت در تمام ایران پیچیده و حسن ملتی ایران را بیدار کرده است ولی در تمام این مدت اهالی سواحل را سستی غریبی دست داده بود چنانکه از واقعات این مدت بخوبی ظاهر میشود ، حالا این سستی بواسطه جهالت یا از عدم مشوق یا بواسطه کثرت نفوذ استبدادیات کهنه کار آنجا بوده کار نداریم و فقط نتیجه آن را که عبارت از بی ثمری و بی نظمی باشد بنظر میآوریم .

و خاطر همه واضح است که حالی از شب و طوایب ایرانیان در جهالت و بیعدلی با اهالی سواحل همپایه و هم وزن اند ولی بازی بینیم که آنها بحیثیت خودشان در طریق مشروطه خواهی مساعی و مجاهدات فراوان کرده اند و در واقع بحسن نتیجه هم نایل شده روی ایرانی را سدید ساخته اند بر عکس اهالی سواحل ابداً يك حرکت صحیح ، يك اقدام منید ، يك نهضت عالی ، در این طریق خدا پنداره نکرده سهل است در انتخاب مواد اسباب فراهم آورده اند که ثلثه بسیار و صدمات بی شمار بحسروطیت زده و سنگهای بسیار در پیش پای ترقی خواهان انداخته است ، قصص این نکته البته تا درجه دشوار است ولی برای آنهایکه رموز و نکات کار ابراف و ایرانیان را بخوبی نجس کرده و فهمیده هیچ جای اشکالی نمی ماند که ندانند کار از چه قرار است ، حرعوییت های قدیم که نلاً بعد سل در این طایفه میراث گذارده شده و آن ترس و خوفی که طبعاً از مترسهای بی تخت داشته اند خیلی در این کار آنها را عقب انداخته تا بدرجه که سادای سال بدون علم و معرفت مانده اخلاف خودشان را در همان جهل مرکب که جیلی و نظری خودشان بوده گذارده اند و ابداً در این مملکت طویل و صریض يك اساس علمی ، يك مدرسه درست حسابی ، يك هیئت دانایان تشکیل ندادند و تربیت نکردند و از شامت این عمل حلا می بینیم که اهالی سواحل در مد نود و پنج جهل بخت بسیط هستند و فقط کاری که از آنها برمیآید یا شغل ماهی گیری (آنها بطریق ناقص و خراب دوره های عنیق) و یا فلهکی و جاشوگری در جهازات تجارتی خارجه میباشد و معلوم و مبرهن است چینی که در معرفت و علم تا این اندازه عقب افتاده باشد هیچوجه

منالوجه نمیتوانند بسادات آتی و حسن استقبال خودشان و اخلاف خود خدمتی شایان که مستوجب تحسین باشد بکنند ، بلکه برعکس آن مراتب باسانی و سهولت مایه خرابی و اقتضاح خود را فراهم میآورند (ترتیب امور سیاسی و ملکی سواحل)

آنهایکه بر موز ملکی واقف و آگاهند بخوبی میدانند که تاسیس ادارات ملکی و سیاسی مانده حکومت و عدلیه و کار گذاری و غیره و غیره فقط برای حراست حقوق ملت و حفظ فواید و مصالح رعیت و صیانت مملکت از نفوذ اجانب است ولی در این سواحل از عهد ناصرالدین شاه تا کنون چیزی که موضوع اعمال و افعال این ادارات بوده همان تضییع حقوق ملت و فواید و مصالح رعیت است و بصارت اخری همیشه در پای تخت يك مشتری پولداری پیدا میشد که پیش از دیگران برای اجاره مملکت پول میداد فوراً بار واگذار میکردند و نه تنها مملکت بلکه رعیت را هم بار میزروختند تا به ای نحوکان در آنجا بجلب پول مشغول شود و طبیعی است که او هم از اصرار در این عمل ابداً صرف نظر نمیکرد و نه فقط دو برابر پولی که در وجه رشوت و پیشکش و تقدیمی و غیره مصروف کرده بود مأخوذ میکرد بلکه بطوری یاب کار را بر میداشت که بعد از انعام مدت استیجار باز قادر بر این بود که مال الاجاره سانه را بالمضاعف بدهد و بهر آن مأموریت مقرر شود .

میتوان گفت بلوجودیکه این قاعده استیجار در ایران رواج داشته و تمام بلدان علی سبیل الاموم والاطلاق امتداد مییافته ولی احوال سواحل در این باب بدتر از سایر جاها بوده ، چه در اماکن دیگر اگر مستاجرین مملکت در ظلم و تعدی خیلی ارباط میکردند چون قرب جوار بیای تخت حاصل بود اقلأعرایض و شکایات مظلومین در محضر اولیاء امور راه مییافت و اندکی باعث تنبیه و تنبه مستاجرین میشد ولی در سواحل بواسطه همان بد مکانی که در قبل عرض شد بالمره دوجلو ظلمهای مترط ، قباچ بجد ، قضاچ بی شمار مستاجرین ، هیچ طایقی و مانی نبوده و میزان تمام کارها فقط میل و خواهش خودشان می بود و گذشته بر آن جهالت مفرط اهالی و آن حرعوییت ایشان از مترسهای بی تخت يك

زندگی برای اظهار عرایضشان شده بود، حالا باوجودیکه انوار ساطعه مشروطیت تمام آفاق ایران را منور و روشن ساخته و قراین سبده بحسن استقبال این ملت ستمدیده بشارتهای عدیده میدهد باز در سواحل ایران از حکومت صحیبه و رفاه عمومی و منظم امور ملکی و ترتیب مواد سیاسی هیچ نشانی نیست بلکه همان اوضاع قدیمه و ترتیبات سابقه که مستلزم خرابی ملک و ملت ایران بوده و هست بینه برقرار و موجود است، از این قراین مصره و اعلام سیئه است که میگویم امور سواحل ایران توجه فوری و اقدام عاجل را میطلبد

يك چیز را تسلیم داریم و آن این است که در این دو سال و نیم که مسئله مشروطیت درمیلان آمده و ترتیبات ابتدائی آن مانند انتخاب وکیل و تشکیل انجمن ولایتی و انعقاد دوایر نظمی و عدلیه و غیره مطرح بحث شده اعلی سواحل تمام آن مسائل را که منتج نتایج خیره برای ایشان میشد بسوء استعمال ملوث داشته و این بدبختی را بر شقاوت های سابقه خود اضافه نموده اند و بپارگان بطوری لاهن شعور در این مسائل زفتار کرده و خودشان را سنگ روی یخ فرسین ساخته اند که آوازه خناق و اشعار بخوبی حس و انتشار بطبی آنها در تمام اطراف و اکناف پیچیده و آنها را بر سوء اخلاق که میتوان تصور نمود معرفی کرد - آگاهان میدانند که آن همه خرابیها و ویرانیها جز تولید يك اسم خشك و خالی هیچ نتیجه و نمری نداد، مثلاً اگر انجمنی در سواحل باشد فقط اسم است - هر گاه حکومتی در آن اطراف وجود داشته باشد تنها اسم است - در صورتیکه اداره کار گذاری - عدلیه - نظمی - بلدی و غیره در آن ولا باشد یا در همین زودی انعقاد و تشکیل بیاید باز هم اسم خشك و خالی خواهد بود و لایعبر و از هیچکدام آنها نه يك اقدام منبده و نه يك عمل نافع حاصل میشود بلکه بیشتر از پیشتر مستوجب زحمت و تصدیق اولیاء امور خواهد گشت - تمام این مناسد و مضار که نزدیک است منجر بنتایج ناگوار و شرآیهای بسیار بشود از چندی است که در آن وقت مشاهده و محالا موقع اظهارش رسیده

حالا برای خلیج چه باید کرد - اول بلا اول باید این نکته را نگفته نگذاشت که مقرر داشتن خطه خلیج بعنوان ولایات یکی از مواد مضره است، اهمیت موقع، مناسبات سیاسی، مقتضیات تجارتی و مراران دلیل دیگر بخوبی ظاهر میسازد که خیلی سهواست خطه سواحل را ولایت قرار دهند - طول مساحت سواحل از دهه عمده تا گوتر (یعنی قریب سیصد فرسخ) بیشتر از مسافت فیابین بوشهر و طهران است و وکلاء و نمایندگان بوشهر که احضار انجمن ولایتی باشند البته بواسطه عدم اطلاع و خبرت کافی نمیتوانند در امور بنادر بیده مثل گوق - چابهار - جاشک و بنادر و جزایر شیب کوه، یعنی کنند یاران که حقیقتاً مستلزم رفع ملحد و مستوجب رفع مذلت اعلی آن صفحات باشد بدهند بلکه اگر واقفاً یابند بحسن عمل و ترتیب و تنظیم ادارات و تنسیق امور ملکی و سیاسی باشیم لازم است که انجمن ایالتی برپا نموده از آن اماکن هم آموهای درست کاری را در کرسی سواحل حاضر کنیم تا در مباحث واجبه ولایات و شهرهای خود شان حصه گیرند، در این صورت میگوئیم که مجلس شورای سابق و وزراء جلیله داخله هر دو در این موضوع اشتباه عظیم کرده اند، چرا که اهمیت بندر گوترا یکی از بنادر جزیره دیگر بهیچوجه از غیر از کمتر نیست و هیچ لزوم و علق وجود ندارد که چرا عمده باید در حوزه خوزستان باشد بلکه در این سواحل بایست یک ایالت بومی تشکیل یابد که عمده هم در آن شامل باشد (خواه حکومتش مانند حالا جداگانه باشد خواه غیر از آن) در کرسی آن ایالت بومی باید بندر عباس مقرر گردد، چرا که بندر مزبور در وسط آن ایالت واقع شده و بر سایر بنادر تسلط و از جنبه سیاسی بر همه آنها حقوق دارد و قابلیت عرایض هم از بنادر دیگر خیلی بیشتر است و یکی از مزایایش آن است که بیلاقی قریب (گوه گتار) که شش فرسخی عباسی است) برای اقامت مأمورین سرحدی و سرد سپهی دارد و میتوان هر آنجا با آرامی زندگی کرد، نکته در این است که ما این خیال - مرانی که دیگر دول برای آبادی مستعمرات و مستطکات خود دارند در مورد ملک و وطن

خود مان نداشته ایم مثلاً اگر همین بندر کوتر یا یکی دیگر از بندر و جزایر سواحل ایران در دست انگلیس بود در مدتی خدی که بواسطه همان خیالات عمرانی و تعمیر آنرا بیایه بجای و کراچی میرسانیدند ولی تمام این مدت که بندر مزبور در دست ما بوده هیچ فتن و تفاوتی با سابق نکرده و همان طور است که بود.

ایالت ساختن سواحل چندان ضرورت دارد که اگر امروز بکنند بهتر از آن است که فردا بشود چرا که امروز نه فردا دولت مجبور خواهد شد که بواسطه همان علل و اسباب معروضه این کار را هر طور است بکنند.

ولی والی آن ایالت باید شخصی مقرر گردد که عالم بموارد سیاسی و عارف بزموز پلنگی و دانا بامور ملکی و آگاه بترتیبات اداری و موافق و مساعد با مقتضیات صحیحه و فی الحقیقه (نه بحرف) خواهات ترقی و طالب عمران ابواب جمع خود باشد ورنه بی شبه نمیتواند تری درست از آن اقدامات گرفت هر قدر دیوتر در این باب اقدام شود بیشتر نقصان و ضرر بحال هیئت جامعه ملت عاید خواهد شد.

لزوم یک اداره بخری

باوصف این مراتب بدون قوای بخریه ابدأ نمیتوانیم خودمانرا اطمینان دهیم که چنانکه باید و شاید از عهده انتظام این سواحل بر آیم یا اینکه بتوانیم آنرا کاملاً در حیطه تصرف خود نگاه بداریم و حصول قواء بخریه هم با این حالت حالیه مایه و اختلال اظهارات علی الزور صورت نخواهد یافت بلکه تدریجی الحصول است و باید همچو قوه را بالتدریج حاصل کنیم. فعلاً از ضروریات این ایالت یک کیسیون بخری میباشد که مرکب از محدودی تخمین و میسرین در امور بخری و ملکی آن اطراف باشند و توجه و مراقبت آن کیسیون باید کلیناً در کار بخری معطوف و مصروف باشد و قوه بخری را متدرجاً بزرگ و تقویت دهد مثلاً مالیات سواحل مذکور در رویم رفته که حالاً بدولت میرسد و حسب تخمین دو بیست هزار تومان میشود و در معادل این مبلغ هم معلوم است که درستکاری و صداقت مأمورین درستکار یک مصارف عمده میباشد ولی بطور تخمین نصف

آن مخارج هم حقیقت ندارد و ممکن است که اگر کیسیون بخری موجود باشد بواسطه تبدیل مالیات و تنقیص مخارج و هم بواسطه تعیین بعضی منابع ترقی البته میتواند که قواء بخریه را بالتدریج مرتب و ازدیاد کند، واضح است که در مدت قلیل نمیتوانیم اداره بخریه حالیه را که از فایده بی اعتنا و اولیای امور اختلالات عمده پیدا کرده مرتب و منظم نمایم پس جلوه منحصر در اینست که بتدریج و بهمان ترتیبی که اظهار شد در صد اصلاحات بر آیم

لزوم اصلاحات مالیات خلیج

اصلاح مالیات نه تنها در این سواحل بلکه در تمام ولایات ایران باید تصحیه و تنقیح یابد، حیف و میلها که حکام و خوانین و ضباط و عمال جزء و کل کرده بی اندازه مورت اختلال این امر شده و در هر قطعه از قطعات که ملاحظه و دقت شود فوراً واضح و لایح خواهد شد که نصف آنچه از رعیت فقط باسم مالیات گرفته میشود بکلی در خزانه دولت داخل نمیشود، از سایر عوارض و رسومی که باسم و رسم مختلف و دست آویزهای متفاوت از رعایای بدبخت وصول میشود هیچ حرفی نمیزنیم، مثال این مطلب را در این موضوع بیان میکنیم. بطور صحیح میتوان گفت که قدر یکصد نفر حکام و ضباط جزء در بلوکات سواحل فارس بطور مقاطعه قطعات مختلفه را در دست دارند و روی هر قطعه این نوع مردم در سالی بیست هزار تومان برای خود باسم مالیات دیوانی از رعیت وصول میکنند که مجموع آن دو میلیون میشود و حال آنکه بطوریکه گفتیم تمام مالیات این سواحل متبایه دو بیست هزار تومان یا دست بالا سیصد هزار تومان میرسد، اگر دولت آن ترتیبات معروضه را معمول دارد البته با اقداماتی که خرج نایل باستیداء مالیات حقیقی خواهد شد، برای حصول آن مالیات فقط سه هزار نفر عسکر درست حسابی لازم میباشد که شاید تمام مخارج آنها هر سالی به دو بیست هزار تومان هم بالغ نشود، سلینا مصارف سوق عسکر و حرکت قشون باطراف نیز در سالی صد هزار تومان بشود جلستان آن دو قلم سیصد هزار تومان خواهد شد و اگر پس از عمده مقدمات لازمه که در فوق اظهار شد دولت متکفل این مخارج و ترتیبات

ماقل اقلًا يك مدرسه. ابتدائی برای تربیت اطفال خودشان تشکیل ندادند، و منتظر اند کسی دیگر آمده و ابتکار را برای آنها بکند.

باید تسلیم نمود که بهترین علاج برای اصلاح احوال این قوم غیر از علم متصور نیست، و بدترین مضرتی برای آنها غیر از ماندن در این توحش و جهالت چیزی بخیال نیاید، آنها را از خواب غفلت بیدار نماید مگر علم، آنها را از باده عطلت هشیار نماید مگر علم، مرعوبیت و بداخلاقی را از میانشان برنمیدارد مگر علم، زنگ فراق مزمن را از دلشانش نبرداید مگر علم، و بالاخره اگر میخواهیم این قسمت مردم ایران را از ورطه جهالت واضحی رهانیده و سر منزل سعادت حقیقی که محیی آنها تواند شد برسانیم، باید بدون يك دقیقه تأخیر و بی هیچ ملاحظه و تشویش نهایت توجه را در اصلاح امور مدارس آنها مبذول داریم، و بتأسیس مدارس صحیحه در این ایالت پردازیم، و گروه مردمی هم در تحت توحش و بربریت حالیه (که آنها را با ما از رسیاه نشانیده) باقی خواهند ماند و ابرویشان را از یک لشکر جرار صدمه بآتیه ایران خواهد زد.

این نکته را هم باید داشت، قبل از آنکه این مردم را به تربیت و تعلیم قابل سازیم ابدأ نتوانیم از آنها مترصد باشیم که از عهده رعیتی خود برآیند، و در این صورت کمال اشکال خواهد داشت که اصول حکومت شورویه در میان ایشان اجراء گردد، برای علاج این درد باید میلی از مالیات آن ایالت یا عایدات يك عمر معین در تنظیم و ترتیب امور معارف آنها مصروف گردد، و در هر صورت از این امر گزیری نیست، و خود آنها هم بایست در پیشرفت این کار کمک و مساعدت نمایند نه آنکه دست روی دست نهاده فقط انتظار بکشند که دولت این کارها را بکند.

برای تمام سواحل ایران وجود يك مدرسه (آنها مدرسه ناقص بوشهر) نمیتوان مترنمیری باشد و هر چند تسلیم باید کرد که اگر اینهم نبود کار مشکلمتنبه ولو اگر این ترتیبات مذکوره بزودی مرتب گردد بواسطه کثرت جمعیت و لزوم وضع حیالت مشتمله و ضرورت خواهد شد که در هر

این کار بشود بطور یقین بعد از يك دو سال بگرفتن دو میلیون تومان که خوانین و کدخدایان و کلانتران میگیرند قادر خواهند گشت، ممکن است که این تصویب در نظر برخی سکه چندان موقوف بر موز داخلی سواحل نیستند غریب و عجیب یا ممتنع الحمول جلوه کند، ولی ما با آن اطلاعات کافیه خود همه اطینان میدمیم که اینگونه منابع در ساحل چنان بسیار و فراوان است که از شدت کثرت و وفرت از نظرها محو شده، و کتر عمل توجه عموم گشته، فقط وقتی حقیقت این مطالب ظاهر و باهر میشود که اقدامات صحیحه در آن باب بعمل آید، و (با اقدامات لازمه میشود) مظهره زروند.

لزوم توسعه مدارس در خلیج

امروز اولین امری که لازم است، تأسیس مدارس صحیحه در خطه سواحل میباشد، لزوم مدارس صحیحه در آن نقاط بی اندازه شدت دارد، و در حقیقت و نفس الامر هنوز يك مدرسه درست که بتواند آنها را دارای اسم و رسم مدرسه شناخت در آن جاها تأسیس نیافته است، علت غائی این بدبختی هم همان بیعلمی خود اهالی است که شاید از فرط ندانستن منتظر اند و ترصد دارند سکه دولت بیاید تمام کارهای آنها را از تنظیم معارف تا تشکیل مدارس همگی را متحمل شده بلکه مصارف تمام آنها را هم از خود بدهد و حال آنکه بشهادت تاریخ دنیا و تصدیق همه عقلاء و فضلا هیچ ملتی در هیچ عهد بعادت نرسید مگر آنکه خودشان در طلب آن کوشیدند و در حصول از بذل مال و منال بهلوتی نکردند، در ایران هم این قاعده کلیه در همه ادوار جاری بوده و هر نعمتی که مان را نصیب شده از حسن مساعی و مجاهدات و فداکاریهای خودشان بوده و گرنه گاهی کسی نیست که اقتدارات تامه و تسلط بی اندازه خود را ترك کرده و نعمت مشروطیت بملت واگذار نماید (ارادت بنما تا سعادت ببری) از جمله مثلهای مشهور ایران است.

ولی اگر خوب دقت شود باز خواهیم دید که همین خیال آنها نیز از شامت بیعلمی میباشد و هیچ چیز غیر از جهالت نیست سکه آنها را باین نوع خیالات و اراجه واقع شده بود که در ظرف این همه سنوات غیرتبه آن مردم

مجلسی خاصه در بندرعباس و لنگه و محمره و چاه پار و غیره يك مدرسه صحیح منطقی که بتوان اسم مدرسه را با آن اطلاق کرد تاسیس بیاید و ترتیب و نسبیق امورش محول بانجمنهای ایالتی و ولایتی آن بندر شود و آوقت میتوان اطمینان پیدا کرد که بتدریج این ریشه غلط و آن همه احساسات نامعقلانه که در میان این مردم ترویج و تعمیم پیدا کرده است روی باخطاط و تنقیص نهد و مردم سواحل بفهمند که در کجا باید و از اصول معاشی و ملکی آدمها که خیلی با امور آنها فرق و تفاوت دارد با خبر شوند. بواسطه مقیم بودن در جهالت و کسالت هر ملتی در دنیا که باشد باندک مدتی همین حالت اهالی سواحل را پیدا خواهد کرد و از این صادرات افعال و واردات احوالی که آنها داشته اند بهیچوجه بیهوده نمی آید که بهرگونه رذالت اقبال داشته باشند ولی تکلیف واجبه دولت جدید همین است که نه فقط مفاسد ملکی و مضار سیاسی آن ولارا جلوگیری کند بلکه بایست سوء اخلاق آنها را هم که از بدرفتاران بآنها میراث رسیده است دفع و رفع فرماید و طریق اینکار نیز فقط در تشکیل و تاسیس مدارس صحیح متصور میباشد و کمال و جوب دارد که در این باب اقدامات فوریه از روی علم و عقل و به ترتیب درست معمول گردد و هر قدر در این مسئله زودتر تعمق و تبحر شود باز زود نیست بلکه نهایت بموقع میباشد.

این مطالب اصول انتظاماتی است که برای سواحل ایران نهایت لزوم و اشد ضرورت را دارد و امیدواریم وکلاء ملت و امنای دولت جدید که از روی خلوص نیت و صدق طینت مریای اصلاح مملکت و دفع و رفع خرابیهای رایجی ایران شده اند بزودی انصار خودشان را بطرف سواحل مزبور منطقت ساخته نگذارند پیش از این مفاسد و مضار ازدیاد بپذیرد و مخاطرات پلنگی آنجا قوی تر گردد و با جدی تمام باجرا اصلاحات مذکوره فوق که امروزه برای مفاسد جنوب آخرین دوا بتصور میآید پردازند مگر انشاءالله آنهاهم مخاطرات جان گذاز مرتفع و نماندیکه دارای نتایج وخیمه است مندرج گردد. اگر اولیاء دولت جدید (خدای نخواست) بخواهند ترتیب و تنظیم امور سواحل را بوقتی دیگر تاخیر اندازند و آن عملیات عاجله را که برای حصول

این مقصود ضرور است معمول گردانند خوف آن است که وقتی ملتفت شوند که کار از کار گذشته و ندامت و پشیمانی سودی نداشته باشد، ولی نیت خالصه و حسنیات صادقانه که اولیاء دولت جدید تا کنون در مسائل ملکی بروز داده اند و آن صداقت و غیرتی که از وکلاء جدید دانشمند خود داریم مارا تا اندازه معتقد میسازد که انشاءالله تعالی بزودی این ماده سواحل مورد مباحثه و موضوع مذاکره آنها میشود و ترتیباتی را که اصلاح احوال آن خطه عرضه داشتیم بموقع اجراء و وقوع گذارده خواهد شد، چرا بطوریکه گفتیم موقع بنادر خیلی مهم و کارش نهایت سخت است و ما علینا الالبلاغ

تقریظ

(کتاب مرزبان نامه سعدالدین و راوی)

(ضمیمه فیه بکتاب ادبی و اخلاقی ایران)

آگاهان بصیر میدانند که ادبیات هر قوم و مطبوعات هر ملت همواره تابع ترقیات اخلاقی و موافق حسن اداره ملکی آن است که اگر يك ملت بمدارج عالیه قومیت ارتقاء نیاید و درجوه عالی با سایر ملل حبه کامل الترقی طیران نموده و دارای استقلال و صاحب اهت و جلال شود البته ادبیاتش هم بالتبع رونق و ترویج میگیرد و مانند سایر امور فضیلت و نظم می پذیرد ولی بالعکس اگر يك ملت از جاده ترقی تاویل و تامل کند و از جرگه ملل متریقه خارج شود باین ادبیاتش هر قدر هم که محکم و مستحکم باشد باز بمحکم همان بد اخلاقی و سوء تربیتی که میان ایشان جریان مییابد دراندک مدتی آثار موت ادبی آنها ظاهر و واضح و عظیم محو و انقراض ادبیاتشان با هر ولایح خواهد گشت، و بر همه علوم و مبرهن است که در قرن دوازدهم و سیزدهم هجرت کلیه امور اخلاقی و همه موهبت ملکی و سیاسی و اقتصادی ایران از جور و عدوان استبدادیان و فضاخ و قبایح مملکت فروشان براندازه محتل گردید و زایدالوصف مهمل و سطل ... در این مجبوحه خرابی که اثرات اختلال از هر طرف باخلاق و سیاست و حسن اداره این ملک سدمات فراوان زده بوده ادبیات ما هم که بتصدیق تام جهانیان پایگاهش بسی رفیع و دستکاهش خیلی بنیعی بود هشت از آنچه تصور آید ضمیمه و تله خدمت

و سكرات موت ادبی هم در این مریض بدبخت
 تاجان گشت - و هیچ جای شكفت نیست
 چرا این مصیبت عظمی بر سایر نواب و رزایا مزید
 و اضافه گردید ، بواسطه اینکه هر حسن معارف
 طلبانه و خیال ادب پرورانه که جسته جسته در
 اطراف مختلفه ظاهر و هویدا می گشت بازگشت مدتی
 از فشار استبداد خفه و بی اثر میشد و از حیرت
 انتفاع میافتاد و اگر وسیل قدرت همان حسن
 و خیال معارف طلبانه تا اندازه محدودی میرفت که
 موثرتر و منتج نتیجه شود ماملان استبداد و فنانان
 ظلم و بیداد حاضر و آماده بودند که هیچ فرصت
 و موقی بآن نداده و در مقام انحاء و انعدامش
 بر آیند کما اینکه در تمام این سنوات ماضیه همواره
 آتش ظلم و بیدادشان هیکل وجود فضلاء و ادباء
 را بیشتر از دیگر طبقات بسوخت و شعله بدکرداریشان
 در کاشانه و لانه آن بد بختان زیاد تر برافروخت
 و این مهاجمه و مدافعه غریب تا چندین قرن میان
 جهل و علم برقرار و پایدار بود و بر احتلال امور
 ملك و ملت میسازود و بدین و تیره نه از آن
 منظومات دلاویز ایرانی که معروف و مشهور جهان
 بود خبری ماند و نه از نثریات فارسی که عذوبت
 و لطافتش بتعریف و توصیف حاجت و ضرورت
 نداشت اثری باقی بود - و يك دوره مظلم پرشامت
 و عهدی مقرون بنهایت ظلمت پیش آمد که ادبیات
 ایرانی معدوم الاسم و الرسم مانده و فاضل و ادیب
 ایرانی هم مجهول الخلق و مطرود الظلمه گردید و
 کار ادب و معرفت بجای بسیار بدی کشید -
 ولی در این خصوص هم تاریخ دنیا همان دوره های
 سابقه خود را اماده میداد و چیزی که مستثنا از این
 قاعده کلیه و خارج از این ترتیب عمومی باشد در
 صفحه سوانح این قوم نمی نهاد و چون سنت آلبی
 بر این رفته که در آخر کار حق بر باطل مجربد و
 مظلوم محق بر ظالم مقتدر غلبه نماید از این رو
 بهمان طور که حقوق عمومی ملت و عواید خصوصی
 مملکت بر مظالم ظالمین خلافت و مآثم ماملان ستامت
 چربید و باوصف آنچه موانع و عوایق که در
 راه پیشرفت خود داشت بالاخره دست بالا یافت
 بهمان ترتیب هم ادبیات ما که پیش از این فوق در عمده

حرکت نمود و از درون پرده خول چهره خود را
 باالیات کشود ، هر چند تقابلی بعضی مدارس
 رفته در باره از قلم مملکت خیلی به بطانت و
 ثانی پیش رفته و آن نمرات ضمیمه و نتایج مهمه
 که خاطرخواه طاشقان ادب و معرفت و منظور نظر
 طالبان علم و سعادت است بزودی زود حاصل نشده
 و نمیشود ولی باز هم میتوان احساس اطمینان نمود
 که ایام الیض کهولت ادبیات با آخر رسیده و همینکه
 حلاوت علم بمذاهب ایرانیان رسد و محاسن معرفت
 بر ایشان ظاهر و معلوم شود آنوقت پیش از حالا
 اقتضای خاطر و اقبال ضایر آنها بسوی ادبیات
 متوجه و مصلوف میگردد .

یکی از غلام این مطلب آن است که مطبوعات
 ادبی و علمی و فنی مانده اصل میباشد و بالطبع
 از میان ایرانیان معدوم بلکه موهوم شده بود کم کم
 دارد همان بنیای خود را که از انعدام صرف و تنای
 مطلق سالم مانده تقویت داده و در میان مطبوعات سایر
 ملل که قریب است فارای روشی بنزای و رواجی معتنا
 میباشد اظهار وجود میکند و شمل متفرق خود را
 که در اطراف و اکناف عالم براگنده شده بود
 دعوت به مراجعت و اجتماع مینماید و یکی از بهترین
 آنها که حالا مانند مسافری گمشده بخانواده خود
 عودت کرده یا مثل يك عضو مهجوری از هیئت
 اجتماعیه که بصر بر آورد همانا کتاب (مزدبان
 نامه) تألیف مرزبان بن رستم بن شروین از
 شاعر ادکان طبرستان (در اواخر قرن چهارم هجری)
 و اصلاح کاتب بارع و دیر شیوا سعدالدین الروایینی
 (در اوایل قرن هفتم هجری) میباشد - این نسخه
 ضمیمه که بسیاق مذهب و عبارت مستعذب آراسته
 و بدایع و روایع کلیات مزین و مشحون گشته مانند
 مجلدات دیگر بسی عظیم الوجود و متمتع الحصول بوده
 و از شش نسخه که برای تألیف و تصحیح این نسخه
 حالیه بدست آمده پنج جلدش در کتابخانه های ملی
 لندن و پاریس بوده و فقط يك نسخه از ماخذ
 ایرانی تحصیل گردیده و از این رو میتوان گفت
 سکه و الحقیقه یکی از بهترین کتب معدومه ادبی
 بحیات تازه رسیده و اگر این طبع جدید صورت
 تکمیل نیافته بود یکی از عمده نقایس ادبی مرقع

مرزبان نامه کتابی است مشتمل بر نظم و حکمت و نثر و حکایت سکه حلاوت و عنایت نظم را در تلو حکایات حکیمانه و در ضمن روایات عاقلانه گنجایده و دقایق حکمت و حقایق سیاست را بکسوت حدیث و داستانت منقش گردانیده عجایب واقعات و عرایب ساعت را که نور دهنده عقول و زدایده غفلت و ذمول میباشد بصارت خلی شیوا و لهجی بس شیرین و زیبا بیان و ادا کرده است بخوبی که خواننده را از کثرت مطالعه اش خسته نشود و هر چه بیشتر در صفحات آن کتاب مستطاب تعمق و تبصر نماید شوق و دوقش بامتداد مطالعه از دیاد پذیرد - بلاغت معنی و فصاحت کلماتش درجه عالی دارد و پایه بسیار متعالی - طرز عبارت بردازی و نهج سخن طرازی آن چنان بلند و ارجمند است که میتوان گفت برای نویسندگانی که باند بنکات ادبی هستند خیلی دوکار و لازم و مفید و مهم میباشد و گذشته بر آن از مزایای سکه لازم ملروم این نوع مجلدات ضمیمه است مانند امثال و اشعار عرب و هند و صایح مناسبه بحوی اکل محلی و مکمل است - کیفیت طبع آن کتاب از این قرار است که یکی از مستشرقین انگلیس موسوم بمسترگیب که در عین جوانی بدروود زندگانی گفته بود مادرش که کمال محبت را به پسر داشته مصمم گردید اسم ویرا در روزگار بیادگار بگذارد و بقاء نام و تخلید ذکر زنده جاویدش سازد لذا مبلغی از مال خود مفروز کرده و منافعی با اطلاع چند نفر امانت وقت بطبع کتب مفیده فارسیه عربیه و ترکیه معروف نموده تا بحال قریب ده جلد کتاب از وجه آن اوقاف جمع رسید و جناب آقا میرزا محمد قزوینی که از املاء عبور ایرات از بذل جدوجهد در طریق عدالت خواهی و استقرار قانون فروگذار فرموده بمصحیح و اصلاح این کتاب همت کرده و بمعاونت جناب مستطاب علامه نحریر و دانشمند شیر بروفیسور برون معلم السنه شرقیه در دارالتنون کرج که ناظر آن اوقاف هستند بطبع رسانیده ، جناب پرافسور برون نه تنها در این خصوص بادیات ایران معاونت و کمک فرموده بلکه در این سه ساله اخیر که دوره انقلاب سیاسی در وطن عزیز پیش آمد در هجرت

بمدافعه از حقوق ملی ایرات و الت ایرانیان پناهنده بلندن با رجال دولت و ادارات جراید انگلیس و نشر لوایح ، اشتغال داشته و حقیقتاً حتی بزورک برگردن این ملک و ملت نداشته اند که شکرش فرض و بدیهی است سکه تاریخ سیاسی و ادبی ایران هرگز حقوق بیکران ویرا در عهد نسیان نخواهد گذاشت

بهر جهت کتاب مرهور با حروف بسیار خوب بر کاغذی نفیس بطبع رسیده و بحواشی فراوان مزین گردیده و در جلدی بسیار قشنگ مجلد گشته است ، محل فروش آن در کتابخانه (لوزاکوکبانی) در لندن میباشد

مترجم: داور عباس

مجدداً در شمیلات فائزه ساد ، آتشاش و بی نظمی مشتمل گردید چند روز است که رعایای آخا عباسی آمده از اجحافات و تعدیات میر احمد شاه کلانتر شمیلات در خانه آقا شیخ علی متحصن و تسلیم مینمایند و حتی دیگر که پیش از این قوه تحمّل و ادیت کلانتر نداشته اند بشارجه ودوی راند ، کلانتر مرهور نیز شکایت نموده است که شمیل یابی شده بمخوانند مالیات ندهند ولی از ویش سفیدان و رعایای شمیل سند مالیات خود را با ضمانت بنایب الحکومه عباسی داده اند مسروط بر اینکه میر احمد شاه به قره آنها نرود ، دو سال قبل همین شخص کلانتر شمیل بود از کثرت ظلم و تعدی رعایا بستوه آمده ناچار شکایت او را نموده عزل ویرا درخواست نمودند ، الحال برای تلافی بنای این بی اعتدالی نهاده و رعایا را برای جریمه شکنجه و عذاب مینماید بوم هشتم شهر حال مصباح دیوان نایب الحکومه برای تحقیق و رفع آشوب و آسودگی رعایا با ۶۰ نفر تنگب و یک مراده توپ بشمیلات حرکت نمودند از اقدامات معزی ایل امیدواریم سکه رعایا آسوده و آشوب و اغتشاش مرتفع و دست ظلم کوتاه گردد

انتقاد انجمن ولایتی بوشهر

اینکه میگویند ایران و ایرانیان تفرین کرده شده اند حرف طامیانه و بهیچوجه قابل اعتناء و توجه نیست تا بش انوار علم و معرفت خرق اینگونه جهل موهومه و اعتقادات واهی نمود حقایق محسوس

مکتوب کرمان

سابقاً عرض شده که از وزارت جلیه مالیه حکم شد چون هذمهالسنه سال قریب الاختتام است مالیات را باید بقانون سال اول مشروطه بگیرند که عبارت از سنه قوی نیل باشد ، البته آنچه در آن سال اخذ و عمل شده در دفتر کرمان ثبت و شرح آن موجب خجالت است ، مثلاً در يك بلوك از يك نفر شاهی بانصد شاهی از یکی دو بیست و پنجاه شاهی از يك شاهی جهل شاهی باید بگیرند ، دو سال قبل لامحاله رعیت گوسند و سجو والاغ و اسبابی داشته که این مالیات را بدهد بملاوه مخارج و مدخول ضباط نیز مزید خواهد شد ، چرا که موجب برای آنها معین نیست باید آنچه ممکن باشد بر عنوان اخذ و عمل نماید ، لاکن امثال آنچه داشتند بفارت رتبه سارقین فارس بردماند حکومت جلیه نیز تصیری ندارد مگر آنکه این عیوبات را بوزارت جلیه داخله و مالیه تلگراف نموده است جوابی که مندر نمیرسد رسیده ، انجمن ایالتی نیز اگر دخالت نماید یا به تشکیات عارضین که حق نصارت آنها باشد رسیدگی و گفتگو نماید ضابط اعتراض بنمایند که سال قریب الاختتام است این اعتراضات سبب تاخیر و تدویق مالیات خواهد شد دولت بول لازم دارد

نماینده وزیر مالیه نیز معین نیست ، لهذا تأسیس انجمن در شهری که قانون و بودجه آن ملک معلوم نیست لغو است ، انجمن نیز چون خود را بین اندوین دیده از یکطرف تشکیات مردم که بر آنها فشار آورده از طرفی عدم بیشرمت بتکالیف خود مریای تعطیل انجمن شده تا شورای ملی برپا شود حکومت تجویز نموده بلکه وعده فرموده اند که از وزارت جلیه داخله یا مالیه اصلاحات موقتی یا تخفیفات فوری برای رعیت بعضی بلوکات که بالکل قوه زیست و تحمل ندارند خواسته باشند عیب کار این است که با همه این استلانات و گفته شدن صد هزار نفر از اهالی ایران وزارت صد کروار اموال هنوز بعضی خائس سیرتان راضی نمی بلغند که ماشین دولت بر صحت حرکت نماید نهایت بلاست را میبخواهد که حکومت اعنی جناب قوام الملک با آنچه اوضاع فارس که شهرت

مدنیت بر طالبان آشکار کرد که شرف و افتخار و ذلت و ابتذال هر ملتی مرهوط بقام علم و مراتب جهل آنها است هر قومی که وجود افرادش بحلیه معرفت و دانش آرایش یافت گوی از میدان شرف ملی ربود بمس هرگاه طایفه وجودشان از خصیصه ینش طاری باشد روی سعادت و شرف ندیده سهل است هرروزه به توسط مفیدی رخته در قومیت آنها بدید خواهد آمد و بحکم الحکم بن ثلب مفیدین ، چیره دست دیگر اراد آمان را خر بارکن خود قرار داده هر طرف میل آنها است راه می اندازند هرکس بدقت نظر در ترتیبات انتخابیه بوشهر ملاحظه فرماید ، فهمد که در تمامی مخلوقات بحسی بهره و نصیب اهالی این سرحد است و این ، پیدایی کار انباء این شهر را بجای نشاید که از همه امتیازات طبیعی آمان را محروم داشته ، فقط در این اواخر که بحکم نصیم حق رای با آنها نیز عنایت گردید آنها مفیدین معروف این شهر که آلت اجراء دسایس و تزویر یکسفر متذنب نامی اند از ایشان گرفته نگذارده و نیکگذارد و کلاه صحیح السلك نوبخواهی را برای خود تین کنند ، محض تفریح این اجمال ناچاریم پاره حقایق را بطریق اختصار عرض کنیم و کلاه انجمن ولایتی بوشهر منتخب گردیدند اسامی آنان شیخ محمد علی آل عصفور ، شیخ عبداللئی نخر الاسلام ، حاجی سید محمد رضا ، سید بدالله بهبهانی سید اسدالله مجتهد خارقان ، میرزا علی کادرونی ، حالیه کار نداریم فلان چه رنگی ریخت که بوکالت انتخاب گردید ولی حرف در این است که وکالت یکی از ایشان که تا دم آخر باجرا مکنونات شیخ نوری کوشش داشت و او را بشیخ ابوالفضل خطاب مینمود و در سر و عین افتخار میکرد که با او مکاتبه دارد و علاوه صفحه ذهن و لوحه سینه اش از معلومات مدکی خالی و فارغ است باید حل بر چه کرد؟ کاش باین قناعت کرده و ادار نموده که اسم بعضی موثقی که طرف میل عامه بودند از ورقه آراء محو کرده بجای او اسم دیگری اثبات نمایند ، در میان متعینین سه دو نفر هوشیار چون نیات را قرین سوء دیده از عضویت استعنا دادند ولی مابقی چون منافع معمولی خود را در عضویت تصور کرده با کمال اہت و جلال بقامت و عنای خود را بکسوت زیبای وکالت و زینت فامه اند

بدولت و ملت امنیت فوق العادہ دادہ است و سارقین را در شہر حاضر فرمودہ مشغول استرداد اموال شدہ تلگراف از فارس رسیدہ کہ مردم بلوکت کرمان بیاید اموال خود را بگیرند نہایت جدوجہد را در صحت امر انتخابات دارند

لاکن مردم خود کرمان حاضر نمی باشند کہ امورات وطن آنها اصلاح گردد . نفس جلال و جبروت خود می دانند کہ از لوح محفوظ و دفتر اعمال آنها کسی با خبر شود ، شاید تا قیامت این قسم بی اعتدالی ما باقی باشد

چہ گونہ دولت مشروطہ باشد ~~سکھ~~ از تریاک فروش مالیات نباید گرفت کہ در تمام ظلم اشیاء مضرہ را فوق العادہ کرک یا مالیات میگیرند و از ماکولات کہ محتاج الیہ عامہ است باید گرفته ، و سبب گران شد

البتہ اصلاحات درکار است . تعجب است کسانی کہ از نام مشروطہ امراض داشته و مصدر هزار نوع استبداد شدہ و الآن ہم درخط استبداد سیر دارند ، و امید برگشت استبداد و ظلمت و رؤسای مجاہدین را می کنند

امروز بارتی ساختہ کہ وکلای دارالشوہ از میانہ آنها با جہل مرکب و عدم علم انتخاب شود خیال می کنند کہ مجلس شوری فوراً مرکب و ناکس و قبول خواهد کرد ، وکیل مجلس ملی باید قانون مین نماید ، آشنا سیاسی دول باشد ، حقوق پیمانہ دول و ملل ہرار جور علم حساب جغرافیا وغیرہ جاند محم و حوش نیست بولہ مفت بکسی نمیدهند

بہر حال دوختہ استہ انجمن نظار با نمایندہ حکومت مشغول امر انتخابات دورہ اولیہ وکلای شورای ملی بودہ چون در کرمان اشخاص متدین ہست لاکن درس خواندہ سیاسی دان واقف و آشنای برسیلی دول جغرافیادان کامل نیست و تجار آذربایجان نیز ہر کرمان گانہ ہمہ اہل کرمان خانہ ولایہ و اولاد و تجارت دارند لہذا سی کردہ همان اشخاص محترمی را کہ از طهران و روزنامہا معرفی کردہ بودند انتخاب نمودہ کہ دورہ ثانی را البتہ این اشخاص بہتر انتخاب خواهند فرمود ، البتہ میدانند کار مجلس ایجاد قوانین مملکت است ، البتہ اگر از خود این ایالت آنها انتخاب می شد خیل بہتر و مطہ اقتضای

طما بود لاکن افسوس کہ در ابتدا از فشار ظلم در میانہ ہر کرور خلق حکرمان و بلوچستان علی التخصین بکنفر طلم و آشنا سیاسی نیست ، اگر چہ چند بارتی ہم تشکیل یافته بود و رای باشخصی دادہ بودند کہ از اسم مشروطہ تنفر دارند ، لاکن افسوس کہ خیالات ہمہ ناچیز شد امید است من بعد درس خواندہ امراض را کنار گذاردہ تا دورہ ثانی از خود کرمان انتخاب نمایند

البتہ همان قدر کہ از خود کرمان حاکم و نایب الحکومہ معین کردہ بودند حسن کفایت بخرج داد سایر امورات را نیز باید قیاس کرد ، وکیل کہ خواستہ باشد وکیل شدہ خیالات شخصی خود را انجام دہد برای نوع عامہ قایدہ ندارد

طہرن

(۲۰ شوال)

(وقایع نگار ما)

تسخیر اردبیل بدست شامسونہا بریاست رحیم خان و فرستادن روس یک اردوی تازہ جسیم با ہم حفظ منافع خود در اردبیل کسب یک ہیجانہ عظیم در اہالی نمودہ رؤسای ملی جہا سعی اند کہ بہر قسم ہست تا اول ذی قعدہ یارانشرا افتتاح نمایند برای قلع و قمع رحیم خان و طوائف مفسدہ شامسون با خالی بودن خزینہ اردوی بزرگی باتوب و توجہات کافی فرستادہ شدہ باز ہم مینرستند ولی افسوس کہ نوبہاروی پس از مرگ شد چہ اگر ربیع این اردو را قبل از وقت فرستادہ و ستار خان قوت می یافت کار باینجا نمی کشید و نام بلند کہ مصادر امور حاصل نمودہ بودند درین وقہ کسب پستی نمی نمود برخی متدین چندانی عبرت دادہ اند کہ عمداً برای پست ساختن نام ستار خان این تکامل پیش آمدہ ولی قطعاً این قول سخیف است چیزی کہ ما میدانیم پستی آمد این والیات را عطل بسار کہ من جہہ این است (۶) مردم تا درجہ از مصادر امور استشہام خود خواہی نمودہ و چنان می بندارند کہ غبار نگاری ہم از میان آنها برخاستہ این مراتب یک دخلوت طیبی درکارها نمودار نمودہ ظاہراً و مخبراً طیبی الکتبہ شدہ است

(۲) عدم انتظام وزارت خانه ها و دخالت عهده یار یا سهوی وزراء در کار یکدیگر، ازین رو وزارت مالیه که اساس سعادت، قوت، عزت، شرف يك دولت بروی وی نهاده شده اسی بلا رسم مانده از هر جا پولی بدست هر کس آمد بمصارف ضروری یا غیر ضروری رسانیده قطع حساب بوزارت مالیه رسانیدند و این سبب شد که دولت جدید دارای هیچ گونه قوت منوی نگردید و هماره هشت شان گرو چهار بوده و هشت وره نمیتوان گفت درین پنج ماه کمتر از ادوار سابقه پول بدولت نرسیده ولی قسمی خرج شده که دارای هیچ ترتیب صحیحی نبوده درین موقع لازم بود که کلیه مصارف فضول ترك شود و تمام در تهیه و تدارك قشونی برای امنیت آن هم با كمال صرفه جوئی صرف شود ولی بد بختانه نصف عایدات درین چند ماهه خرج قوای دولت و برقراری امنیت نشده است و حال آنکه عتلاً یکدیگر نباید صرف مواد دیگر شود تا قوای دولت هر جهت کامل گردد، عجب تر آنکه هر کس در طریق مشروطیت خدمت کرده در همین اول وهله سکه هنوز کارها ناص و ناتمام است خواستگار حقوق خویش گردیده و مصادر امور هم بدون ملاحظه موقع و ضروریات تجویز میفرمایند ازین ناماقبت اندیشی نه خدام مشروطیت کتلاً به نوای خویش رسیدند و نه دولت مقتدر شد که قوت سزا حاصل نماید

(۳) عدم تجربه مصادر امور و سر مشق گرفتن سردارین از چگونگی رولیسپونها و ضمناً عدم وقوف ایرانیان به پلنیک زمان خاصه همایکان عدت گردید سکه با امنیت بحرانی و سکون سطحی قناعت نموده قطع به تکلیف پلنیک دولتی قبل از آنیکه دستهای استیفاء قطع شود یا از کار بیوقف ضو همی داده دشمنان مشروطیت را موقع آن دادند که برنی بجهت همایکان بنای اغتشاش کاری گذاردند بعضی عتلاً آغاز مخالفت بر ضد مشروطیت نهادند تا جمعی منذب بلباس مشروطه خواهی هر آمده همه قسم کار شکنی نمایند، جای سوختن دل ایجاب است که عدد خدام حقیق مشروطیت که بر سر کار اند، انگشت شمار و بر عکس منذبین و منذبین هر وقت تار و روی کار و بیچاره عتلاً بیچاره

شکنی اند و قسمی بر کار سوار شده که هر آن برای دولت جسد خدشه پیش آید میتواند يك دفعه دولت را دوجار مشکلات عظیم سازند و این نشد مگر از عدم تجربه یا خود خواهی مصادر امور که حتی گربه های مطبخ دوستان خود را فقط بمرامت قبل از امتحان بد رستگاری و لیاقت بر سر کار های اهم منتخب کردند و با منتهای سادگی باین امنیت بحرانی اطمینان نمودند و جمیع رموز دانان بسادگی مصادر امور ایران ازین اطمینان میخندند و عجب تر اینکه جرائد طهران هم بعضی اینک هم ملت و هم دولت را از عاقبت و خیم خود بیگانه اند تمام از امنیت و آرامی و سکوت مملکت سخن رانده سی شان این است سکه هر اشتیاشی که پیش آید در انظار کوچک جلوه دهند و حال آنکه امروز وظیفه آنها کشف حقایق است وره بعضی نوع زبان بملت خواهند رسانید، امروز موقع ماست مالی گذشته ازین گونه نگارشات امنیت در يك مملکت قائم نمیگردد هر چیز بدو کوچک و رفته رفته بزرگ می شود جرائد ایرانیه باید صدای ایران رسای خود ملت معلوم خویش را سخت بیگانه اند و هر امر کوچکی را سکه طبیعت رفته رفته بزرگ میکنند از آغاز بزرگ جلوه دهند و ملت را برانگیزند که مصادر امور را وادارند که از اشتیاشات جزئیه جلوگیری نمایند که رحیم خانها و امثال او که در هر نقطه موجود اند قبل از آنیکه شهرها را به تصرف خود بیاورند جلوگیری نمایند

امروز در نظر دانایان رموز جنوب و شمال مترب و مشرق ایران را بحران طاری و سکوتی نمایان است، مصادر امور این سکوت را نباید مایه امنیت قراردهند، امروز رحیم خان در همان حرکت کرد، فردا رحیم خانها از جنوب و غرب و شرق متحرك خواهند گردید، همایکان هم در هر جا برای راه نمائی و کمک آنها بدو بیضا خواهند نمود امنیت مملکت جز بقوه قاهره محال و قوه قاهره بدون تشکیل اردوهای منظم غیر ممکن است بد بختانه مصادر امور هنوز يك اردوی پنجهزار نفری از روی صحت تشکیل نداده و در يك نقطه قائم نداشته اند که از

شیراز

(سلخ شال)

(وقایع نگار)

تلگرافات عیدیه از وزارت داخله، وزارت جنگ، مجلس عالی باجمن ارض و شخص ایالت در خصوص افتتاح پارلمان رسید. که غرض ذیقده منعقد خواهد شد باید جشن بگیرند و مراسم تبریک و تهنیت بجای آرند اهالی نیز ما دلی شادان در تدارک جشن هستند خداوند مبارک فرماید

اوضاع فارس خیلی منقلب به نظر می آید و عاقبت خوش نمودار نیست شراس است ولی اطراف ادا امنیت ندارد دزدی و راه زنی از هر طرف عمومیّت نموده برج بست دزد بخورده و با ترتیب میرسد

اندک اندک تهمزنان به سید لاری رو سیاه می شود رپورت حکومت جدید لارستان ظاهر میدارد آنچه در حق حجة الاسلام لاری گفته می شد کذب محض بود سید بیچاره در خانه خود نشسته دارای يك هر بی نیست و بحاجت فارس نیز رهسپار شده است اموالیکه تهمت عارتش به تابعین سید داده می شد از باغ دلگشا بیرون آمد و دو باب و مواشی که از دزدان درون گرفته شده برخی رعایای فقیر کرمان آمده و اموال خود را گرفته و بعضی هم هنوز ناقص است نمدام بحکم حجة الاسلام لاری بوده یا با امر رؤسای ایل عرب و هارلو و غیره، حای شکر باقی است که رفته رفته با آنهمه بی شرمی دروغگویان را اندکی شرم دامن گیر شده است

حالا همان بساطیکه برای حجة الاسلام لاری فراهم آورده بودند بینه برای صولت الدوله قشقائی بیرون آورده یعنی اطراف فارس را می چایند و سببش را بصولت الدوله میدهند و اسبابی فراهم آورده اند، که عفاً یاغیگری بصولت الدوله به بندند و هیچ بید نیست که عاقبت او را هم مجبور به تمرد سازند نیم تلگراف را در طریق بو شهر و شیراز قطع نموده اند از بلتیک شناسی مصادر امور ظورین قولی انگلیسی برای قهایش صولت الدوله رفته است

حاصل آید این است که بدون کم و زیاد بهمان بی نظمیها سوار و پیاده و توب و غیره بهر جا که اعتشاش شود روانه می نمایند و تا وقتی که بموقع اعتشاش برسد بل آن طرف آب است، اقلأ اگر در آذربایجان دارای يك اردوی صحیحی در موقع مناسبی بودیم نه واقعات اردبیل و زنجان پیش می آمد و نه درین گوه اعتشاشات دولت برای سوق عسکر تا این درجه منحل خساره میکردید و نه این واقعات مورث شکست رعب سلطنت می شد

(۴) وزرای ما عقول خود را کافی از هر علم و تجربه دانسته چیزیکه ابدأ در میان نیست طلب نمودن مستشار است و ازین رو نه دارای وزارت حاکم هستیم و نه خواهیم شد نه اوضاع قدیم مانده نه وضع جدید مرتب، شلم شوروی صریحی است عجب این است مشروطه میخواهیم بدون وزارتخانه انتظامات میخواهیم بدون تشکیل ادارات امنیت میخواهیم بدون تشکیل اردوهای صحیح - (این چنین شیرین خدا هم نافرید)، این است سبب خرابی کارها و عدم پیشرفت امور، این است علت کناره جویی دامیان از کارها

ایپدواری مردم فقط با افتتاح مجلس است انشاءالله کارها را اصلاح نماید خدای ما کرده اگر بعد از افتتاح مجلس باز این مرج و مرج ما درکار و امور در تحت انتظام صحیح بیرون نیاید یکدفعه مردم مأیوس از پیشرفت مشروطیت در ایران شده دشمنانم که از ابتدا میگفتند همسایگان هم که در صدد بهانه اند در آن موقع هرگاه صدائی از جانی مانند شود آیساً من الحیات مردم بجانب وی عطف توجه خواهند نمود

وکلائی ملی را درین دوره کار بسیار سعت و وظایفی بسیار بزرگ در پیش است خیلی باید زحمت بکشند و ذیقت نمایند

هنوز مجلس منعقد نشد هوای نایب السلطنه کمی که ملی چند را بر ساخته تشکیل بارتی و طرفدار برای خود می نمایند عجب این است که وکلا و ام درین موضوع متفق نمی بینم، و این نکته خیلی اشیاپ پاس شده چه مقتضای حال امروز ایران است برای نایب السلطنه

نصرالدوله دعوت بسیار با شکوهی بنام جنرال
قونسول روس که عنقریب تازم به بوشهر است داده
ایالت وقونسول انگلیس و جمیع اعیان نیز شرکت داشتند
ایالت برای تجلیل نصرالدوله در انظار غالباً او را در کالسکه
خود سوار نموده محترمانه به گردش میروند این حرکات
خلی از سیاست است که ابدأ نتیجه ندارد چنانچه ایالت
محبوب القلوب را متور القلوب ساخته و همین نکته
بر قهر و غضب مخالفین بی القوام خلی افزوده است
سهام الدوله طبعاً مشروطه خواه وطن پرست و
منظم است الحق خوب صورت طامری هم بادارات
داده ولی دو امر هست که تمام این امور را
سطلن ظاهر میدارد، یکی آنکه دور سهام الدوله
مردمانیکه دارای کلمه سیاسی و تحریر پلیدی و بیغرضی
باشند نسبت که افلاً مقتضیات فارس را بر او
بمانند و دیگر در جزئیات میکوشند و از کلیات
صرف نظری شود و بجای آنکه جدا در صدد
تشکیل اردو و فراهم نمودن قوه قاهره باشند که
اساس کار است میخواهند نکشتن و سزا دادن
و کلاه کاعندی بر سر مجرمین گذاردن مردم خیره سر
فارس را آرام و مرعوب سازند، اگر چه این
داب و دیدن قدیم حکام خوشنام فارس میباشد ولی
امروزه عقلا و دامایان این مملکت را چندان مفید
بجای نمی دانند، سهام الدوله در بدو ورود خیلی محبوب
القلوب بود و اهالی هم زاید الوصف امیدوار بودند و
هم مرعوب و این اختصاص بیک طبقه نداشت تمام
طبقات فارس را همین حال بود هر قدر بحجت
نصرالدوله افزود از محبوب القلوب خویش کاست و
هر چه در اقتدار او کوشید از رعب و اقتدار
خویش کم کرد و این سرو بزرگی بود که ایالت نمود
و عنقریب مایه ندامت ایشان خواهد گردید چه اهالی
فارس سه تیره هستند - اول مشرویین که مخالفین
بی القوام اند و بالغ بر دو تلت میباشد، دوم
مردمان بی طرف این فرقه نیز عده کثیر اند - سوم
مستبدین که طرفدارا بی القوام و عددشان انگشت
شمار است - ازین رو نمیتوان گشت حکومت با این
مملکت تا در برابر بتواند امنیت فارس را برقرار دارد
چه پارتیهایی هدیده برخلاف مملکت ایالت تشکیل
یافته و رعب و دینه که دانت رفته رفته دارد
زوال میگرداند و در این ایالت تجلیل قریب دارد

خود را برایشانی گری نصرالدوله معرفی می نماید،
فلاً رشته غالب امور در کف نصرالدوله است و
به مخالفین وی هیچگونه مقام اعتراض و شکایت نداده
اند، و کم کم دارد جامعه صبوری مردم یاره می شود
هر ملاحظه که باشد امروز نصرالدوله دارد
در امور اداری فارس حسن خدمت بروز میدهد
و از همین حسن خدمت بر تمام کارهای ایالتی
استیلا یافته یکطرف ندارد خاسکی، از طرف دیگر
کدورت های شخصی و بوعی، از حامیان قوام، مشروطه
خواهان را مشوش و بریشان ساخته و مشروطه
خواهانیکه حان و مال درین راه گذارده هرگز
رضا مستیلائی آنها نمیدهند و اطمینان بافضل و
کردار او ندارند

پیش از همه صولت الدوله ازین امر هم مشوش
است و هم بریشان چه صولت الدوله چنان تصور
کرده که محبت های ایالت در حق نصرالدوله مبنی بر
عداوت اوست، و بد خیلی هوشیار خویش است
و یک دفعه از این مایوس شده چون نصرالدوله
نزد ایالت نمود کلی حاصل نموده در مدنام نمودن
صولت الدوله نزد ایالت و طهران دقیقه فروگذار
نمینماید فلاً آثار خیلی بد به نظر میرسد خداوند
خیر فرماید

ترجمه اخبارات خارجه راجع بایران
دیلی تلگراف مورخه ۶ نومبر مینویسد -
تلگرافی از تبریز مشعر بر این است که رحیم خان
و اتباعش امروز صبح داخل اردیل شده و اکنون
بهب و عارت آنجا مشغولند - از قرار مذکور
حاکم آنجا و بعضی اعضاء انجمن در ویس قونسلگری
روس پناهنده گردیده اند ستار حان به تبریز عودت
کرده - مذکور بود که دیشب شصت و هشت نفر
وکیلی که بالفعل در طهران هستند مجلس فوق العاده
در آنجا منعقد نموده و قرار دادند که از دولت
بخواهند هتة دیگر پارلمان را مفتوح دارد

مخبرهان روزنامه از پترسبرگ مینویسد - بموجب
اخبار اخیر اردیل حاکم آنجا و اعضاء انجمن و
علماء بویس قونسلگری روس پناهنده شده اند و فوراً
بعد از آن واقعه شامسون ها و قراچه داغیا شهر
را تصرف نمودند و بازار و کاروانسرا ها و اغلب
بجای تجارت و قریب شامسونها خواسته اند که

ویس قونسول روس باهندکاش و تسلیم کند و خوف میرود که عشار مزبور بر قونسولخانه هجوم آورند و مستحظین آن که مرکب از بجه قزاق اند قادر نخواهند بود که با آنها مقاومت نمایند، و لذا علاوه بر فوج روسی که بکمک مستحظین قونسولخانه فرستاده شده و مشتمل بر یک دسته پیاده نمام و دو ساتیبه (یکصد نفر) قزاق با دو توپ و یک عده سواره است هنوز هم یک فوج قوی که کاملاً بتواند در صورت لزوم با عشار بر بتیزد روانه خواهد شد -

روزنامه (اکس پنج گزت) نظریات بکنفر دیپلمات حلیه‌الشان روسی را چنین مینویسد - که اوضاع حاضر در ایران خیلی وخیم بطور میآید و همینکه قونسول روس بایرانها در قونسولخانه باده داد دیگر نمیتواند آنها را تسلیم بشامسون ما نماید، قونسولخانه مرپوره فقط یک دسته قزاق دارد کاملاً معرض هجوم میباشد، اگر شامسون ها جسارت نموده بر بدق روس شلیک کنند دولت روس مجازات سحت بآنها داده و راهزنان مزبور را که قاتل صاحبمنصبان سرحدی روس و سارق مواشی و دواب روسیانت بوده اند بسزای اعمال قدیمه خودشان خواهد رساید

طمس مورخه ۸ نومبر مینویسد - فوج اخیر از اردوی طهران امروز حرکت و مجموع آنها با قشون تبریز تقریباً بچهار هزار نفر میرسد اکنون در راه اردبیل میباشد، تلگراف روسیه دلالت میکند که مستحظین قونسولگری روس خیلی کمک خواهند یافت و چنین تصفیه شده که یک اردوی که کاملاً بتواند از عهده شامسونها برآید و عددهاش بالغ بچندین هزار باشد بدان صوب فرستاده شود شاید در آخر بتبوت برسد که بهترین طریق برای حل این مشکلات حالیه همین است که دولت روس مسئله منقاد - اختن طوائف منمرده که موجب اعتشاش آذربایجان میشوند بر عهده خود بگیرد، ولی در همین وهله که ایرانها خودشان با شوق و دوق وطن خواهانه مساعی و مجاهدات عجیبه معمول میدارند - حیف و دریغ است که محروم شوند از اینکه موقی بدست آورده امر اردبیل را تصفیه، و شهری که از مغلوبیت عشار برای این دوره

جليله دست میدهد حاصل نمایند، بنظر میآید که ارسال اردوی جیبی از روسیه بیوقع میباشد، چه سکه احتمال میرود قشون امدادی قونسولخانه و ندارکان که دولت ایران میکند طاقت این یانی‌ها را مجبور به عقب نشستن نماید ولی هنوز نظر باینسکه دولت روس در آذربایجان و حوالی سرحدان فواید و منافع دارد و یقین نیست که قشون ایران بتواند از عهده دفع شامسونها برآید لهذا نمیتواند در حقانیت عمل روس حرفی زد، مگر ایرانها این اقدامات را بنوع دیگر تصور میکنند چرا که حق در مصادر طایفه هم عقیده شان بر این است - که کاشتنکان روس باشتغال این ناپره فساد حالیه اشتغال داند و اگرچه دولت روس ظاهراً قشون خود را از قزوین برمیدارد اما باطناً در آذربایجان اعتشاش را میندازد تا برای مداخله مسلحه عذر و دست‌آویزی داشته باشد، این عقیده وسایر ظنیاتی که همه ایرانها همماً در خصوص خیالات روس دارند یکی از عوایق حقیقی را در تصفیه مسئله ایران پیش می‌آورد در روسیه قوت پارتیهائی که نمایند ترقی یا استبداد میباشد و آنها را که طالب مداخله و عدم مداخله هستند بطوری مساوی و معادل است که بواسطه مذمت گوئی ایرانیا ن نسبت یک نوع احساسات عمومی تولید شده که نزدیک است موافقت نماید با مذاق آنهاست که خیلی اشتیاق دارند بایران پاموزند که نمیتوان دولت روس را با جسارت و جرئت از نظر اداخت، ایرانیهای بیچاره نمیتوانند ملاحظه کنند که سلامت آنها منوط بر این است که با دولت روس از در مودت پیش آمده و همدردی او را جلب نمایند، ظن آنها بر این است که انگلیس با پارتی مشروطه خواهان موافق میباشد لیکن در صورتیکه هرگونه قصد و نیت روس عمل شک و شبهه باشد و هر اقدامش بطور خلاف تنقید شود و هر اظهارش مورد مذمت کرده آن وقت نمیتوان از آن دولت ترصد داشت که از جاده خود خارج شده و بمعاومات مشروطه پردازد، ولی هنوز هم باید گفت که فقط تقویت مشترکه روس وانگلیس موجب تجدید انتظام حکومت ایران میشود روز نامه دیلی نیوز در تحت عنوان (زیادتی روس در ایران) مورخه ۹ نومبر مینویسد - دولت

روس فکر صدمه است اقدامی در ایران نباید که
حق ساده ترین هوا خواهان مسلک روس محال
خواهند یافت که برده درستی بر آن بیوشاند دولت
مزبور مصمم شده که نه تنها اعاده اردوی خود را
بتأخیر اندازد (و حال آنکه اردوی مذکور از
قزوین بر پای تخت ایران مسلط و آزادی مباحثات
پارلمان ایران را که بهین زودی اسفاد می یابد تهدید
و تخویف میکند) بلکه میخواهد که یک اردوی
دیگر را برای مطیع ساختن عشایر باردیل بفرستد
لعلت و دست آویز روس برای این کار که
حق باقرار روزنامه (نیورویا) هم مداخله غیر
مشروع در امور ایران و صدمه سختی ماستقلال
آن میباشد فقط همان تصرف اردیل بواسطه عشایر
شامسون است ، اظهار بعضی حقایق با کک خواهد
نمود که بهمین تا چه اندازه این دست آویز حدیج
و عقیده و خیدال روس در این خصوص چقدر
مشکوک میباشد ، اولاً تمام این منسده بهقدر که از
کسی دیگر باشد از دولت روس میباشد از آغاز سال
شاهسونها بطوریکه معتاد و مرسوم ایشان است منبر
بوده اند ولی فقط بهمین نازک موجب محاطره اردیل
شدند و آنوقت دولت روس بکنتر رئیس صدمه
عبارت از رحیم خان باشد بجهت آنها مرید نمود
این راعرن شریر را روسها دستگیر کرده ولی در
ماه سپتمبر ماضی که یکصد و هشتاد شتر و بیست هزار
لیرا بایشان داد رهایش کردند ، روسها مانند دیگران
از رذایل صفات او مسبوق بودند ولی عمداً او را
مطلق العنان ساختند محض آنکه بیشتر موجب مفاسد
شود و خلاصه که اردیل را تصرف کرده همان
شخص است ، اگر بطوریکه خبر نکار طمس با
میگوید هر ایرانی معتقد بر این است که دولت روس
« باطناً در آذربایجان اعتشاش راه نیامدازد تا
برای مداخله مسلحه عذر و دست آویزی داشته
باشد » میباشد اقرار نمود که این بدکان بدون
اساس و بی اصل نبوده خاصه در صورتی که متذکر
شویم که از چند ماه قبل دولت روس تازم بوده
راه آت- آرا تا اردیل را تصرف کرده و قشوقی
در آنها ساختن بگذارد ، ثانیاً اردوی روس برای
مباحثات بیرون خارجه فرستاده نمی شود چه مستظرف
قوتی در آنجا بفرستد و کک و المند و سوار یافته و

قونسول روس خودش اظهار میداره که بخاری
نیست ، مقصد از این سوق عسکر را علناً میگویند
میخواهند « شاهسونها را دفع نمایند » یا به- ارت
دیگر اقدامات و افرة ندای در مملکت ایران برخلاف
رعیت ایرانی معمول دارند برای همچو تجاوز بین
بر استقرار و استقلال یک ملت کامله الوداد میبایستی
که بعضی ضروریات مهمه موجود باشد تا این عمل
را تجویز نماید ولی همچو اتالی افتاده که حکومت
ملی در طهران بکلی روس را از لزوم ضرورت
این کار محروم داشته است آنچه را صدمه مخبر
طمس (مساعی وطنخواهانه) میخواهد حکومت ملیه
استعدادی مرکب از چهار هزار نفر که مکمل و
مسلح با توپهای جدید الاختراع میباشد برای
سرکونی شاهسونها فرستاده و هیچ شکی نیست
که حکومت ایران استطاعت دارد بزودی کار رحیم
خان را تمام کند مخبرطمس مذکور میدارد وحیف
و دریغ است که ایرانها محروم شوند از اینکه
موقی را بدست آورده امر اردیل را تصفیه و شهرتی
را که از مطلوبیت شاهسونها برای این دوره جدید
دست میدهد حاصل نمایند ، این حرف راست است
ولی جزوی از حقیقت میباشد چرا که اقدام ناجائز
روس مانند ضربت عبیدی بر اعتبار حکومت ملی
است و چون مملکت ایران از تحارب ناگواری که
دارد بجوی میداند که این اردو تا مدتی غیر معین
در ایران میماند لذا حکومت معرض ملامت خواهد
شد که چرا از اقامت اردوی - علاوه روس در ایران
عانت نکرده است ، گذشته بر این همین عمل یک نوع
دست آویزی است که لشکر دیگر روس را هنگام
انفقاد مجلس شورای ایران در قزوین نگاه ندارد
و مضای این فعل هیچ لزومی بمرح و بیان ندارد
هم حکومت ملی وهم دارالشورای ملی ایران مستحق
همدردی فعلی از هر که دوستدار ایران است میباشد
تندرات و پیش آمد ایران در دست آنها میباشد و
در ظرف این چند پاهی که حکومت ملی دارای
اقتدار بوده کفایت و نبات غریبی را طاهر داشته
و با وصف مشکلات فوق العاده خیلی کارها را انجام
داده است ، طریقی را که روس حالا تریه میکند
هیچ نتیجه نخواهد داشت مگر اینکه موقی را
که ایران برای انتظام حقوق یافته است خیلی صدمه

و سخته خواهد زد و حقیقتاً مستبدین که بالفعل دایر مدار دولت روس میباشند همین مطلب را منظور نظر خود کرده اند ولی در ... انگلیس همچو منظوری نمیتوان تصور کرد، مصالح و همدردی انگلیس بحال عمران و استقلال ایران موافق است و حکمت عملی انگلیس نیز باید در همان طریق کار بکند ما نمیتوانیم تردید داشته باشیم از اینکه مخالفت خودمان نسبت بسوق عسکری که روس عزم دارد اظهار نمانیم

مارسک بست مورخه ۸ نومبر مینویسد جریده (نویورییا) حالا از وسعت سلطنت وزیر مختار روس در ایران شکایت آغاز کرده و میگوید که چون وزیر مزبور رپورت داده بود که حالت آن مملکت مقرون نظم است از این رو دولت روس راعب گشت که قشون خود را اعاده بدهد - در مقاله دیگر جریده (نویورییا) اظهار میکند که دولت ایران چنان ضعیف و ناتوان میباشد که حمله و هجوم خارجی را خیلی اقتضا دارد

جریده طمس مورخه ۱۱ نومبر مینویسد تلگراف رسی واصله از اردبیل بیان میکند که يك سائنه قزاق روسی برروز وارد آنجا شد تلگراف ذیل از تبریز رسیده -

رشید الملک که فرستاده شده بود با رحیم خان مذاکره نماید همچو خبر میدهد که خان مزبور با شاهسون عزم دارد برای تخریب مشروطیت بر طهران حمله ور شود

همانروزنامه در همان تاریخ نوشته - دیروز مغرب نظر با احترام مولود پادشاه انگلیس اعضاء کابینه و عماید انگلیسان ساکن طهران در سفارت دعوت شده بودند و وزراء اظهار کردند که جداً ترصد دارند مجلس شوری بزودی انعقاد یابد، صدها عمه و فقه در عمارت بهارستان مشغول کارند و امید است که عمارت مزبور روز دوشنبه آماده شود و در آنوقت مراسم افتتاح را خود اعلیحضرت شاهنشاهی با کمال شوکت و شرف عمومی جاری میفرمایند -

مخبراتی که با اردبیل میشود هنوز خیلی منشوش است و معلوم میشود که رحیم خان تسلط زیادی بر آن صوبه پیدا کرده و حاکمی هم تعیین نموده است

در آستارا خیلی قشون دولتی وارد شده و مشغول سنگر بندی میباشند چنین مفهوم است که سوق عسکر روس بالاصل تعویق می یابد و قشون امدادی قونسولخانه که بالغ بیکهزار نفر اند در کار حرکت هستند، فرمانده آنها دستور العمل داده شده که فقط مصالح روس را محافظت نماید و شاهسونها را تهدید کرده اند که اگر متعرض قشون مزبور شود يك اردوی بزرگ برای سیاست آنها فرستاده خواهد شد، حالا مسئله عمده جبهه حکومت ایران همان تهیه وجه برای قشون مرسوله با ردیل میباشد مبلغ بیست و پنج هزار لیره برای این کار مصروف شده ولی هنوز هم باید مصارف علاوه را تحمل نمایند وگرنه تمام قشونی که فرستاده شده نمیتواند کاری بکند، مجاهداتی که برای حصول قرضه بضانت جواهرات دولتی معمول شده بود تا کنون پیشرفت نکرده است

مخبر مخصوص آن روزنامه در همان تاریخ از پترزبرگ تلگراف کرده، ورود قشون امدادی کاملاً دولت روس را مطمئن داشته که نفوس خارجه محفوظ و از تعديت اتباع رحیم خان آسوده میباشد همان جریده بتاريخ ۱۲ نومبر مینویسد - تلگراف ذیل از آستارا رسیده، چون اخباری با ردیل رسیده بود که عساکر روس بسوی اردبیل رهسپار میشوند رؤساء ایلات مصمم گردیده اند که قاصر خان را که بحکومت منتخب کرده اند در آنجا بگذارند و خود شان در معسکر مستحکمی که خارج شهر است اجتماع نمایند، رحیم خان متصلاً مطالبه میکند که آنهایکه در قونسولخانه روس پناهنده شده اند تسلیم شوند ولی در همان وقت هم تأمینات میدهد که نسبت بدولت روس کمال اقیاد دارد، اهالی اردبیل از ورود عساکر روس شادمان میباشند و اغلب ایشان مایل اند رعیت روس شوند

جریده [پابز] مورخه ۲ دسمبر در خصوص آشوب [شیراز] بحث نموده مینویسد - اگر این خبر مقرون بصحت باشد که حاکم [شیراز] مجبور شده برای سلامت خویش فرار اختیار نماید معلوم میشود که انقلاب [فارس] خیلی شدید است تجدید اغتشاشات تجویزی می نماید که دسته عساکر یکم از فوج (۱۰۱) (مباراتا) که چند مده پیش از [پوشش] [شیراز] ...

فرستاده شده بود در آنجا باقی ماند، از قرار ظاهر مأمورین محلیه ابراهیم از استقرار امنیت و نظم عاجز میباشند و بابت ترتیبات داده شود که این چند نفر فرزکی که در شهر شیراز مقیم اند آسوده و این بماند. نه فقط از دسته اوباش و شورشیان شیراز باید خوف نمود بلکه آثار و علائم بغاوت در میان عشایر نیز ظاهر گشته و اگر قونسلخانه و اداره تلگراف خانه انگلیس بدون محافظت بماند بی نظمی فراوان پیش خواهد آمد

وقایع نکار اخبار مذکور (۴) دسمبر چنین مینویسد - ملتیان در طهران چنین استنباط نموده اند که وطنشان در بحران عظیمی است که تاکنون مانند آن در تاریخ ایران پیش نیامده است، اولین جلسه دارالشوری در رفع شبهات امالی مصروف گردید چه مردم شروع کرده بودند ~~که~~ دلالتاً عدم رضایت خود را از مصادر امور اظهار دارند، افواحات بسیار شایع شده بود که فباین سردارین نقاری سخت رخ نموده و از طرفی دیگر چنین معلوم میشد که وزراء در اجراء امور وزارت خودشان بواسطه مداخله های بیجا توائق بسیار داشته، اعتقاد عموم بر این بود که ~~حکومت~~ جدید مصمم است ترتیب امورات دولتی را در قبضه خود انحصار دهد و بالاصافه این مسئله موجب تواید همه قسم افواحات و انتشارات میشد، روساء ملت در انجمنها و سایر جادای طهران خیلی زحمت کشیدند تا اینکه اعتماد مردم را در باره ~~حکومت~~ جدید عود دادند، با اینکه در خود طهران نائرة آشوب اشتعال داشت از طرفی رحیم خان هم خودش را مواخواه پادشاه مخلوع جلوه داده و حکومت اردبیل را تهدید نمود، هیچ شک نیست که شاه مخلوع هنوز قدری امید دارد که بطهران برگشته و دارای اقتدارات از کف رفته خود شود، از قرار مذکور مشارالیه بهمین قرب استندای ملاقات با امپراتور روس نموده بود ولی استدعایش بدرجه قبول نرسید،

مطبوعات جدید الظهور طهران بصیحت کردن وزراء و ملت مشغول میباشند و اکثر مقالات ایشان ~~مبنی بر اظهار تأسف از رخاوت مردم در طریق اصلاح است و مقالات دیگر شان مخفی~~

از فریاد های یاس و نومیدی میباشد با اینهمه مطبوعات مزبوره - اهدات ذی قیمت باصلاح خواهان طهران میدهند، چرا که عده بزرگی از جراید طهران انظار ملتبان را در مواد عام انتفعه معطوف میدارند

اخبارات واصله از جنوب ایران مشعر بر این است که در آنجا بی نظمی رو به ازدیاد نهاده و حتی خود شیراز که تاکنون از حیاول و سرقت این بوده مورد حیاول شده است ولی حکومت مصمم است در رفع سارقین اقدام نماید، از قرار مذکور نصرالدوله را در شیراز دستگیر کرده اند و قوام الملک هم در کرمان محبوس است و مشارالیه را بواسطه این بی نظمی اینکه بنازکی در جنوب بروز کرده ماخوذ داشته اند و یقین میرود که ایشانرا بطهران جلب کرده تحت استظان قرار بیاورند، تجار و خلیج ساری اند که از اداء وجوه گمرک طفره بروند و ازین رو مالهای خود را از گمرکات جزء میگریزانند، و تجارت منوعات روز بروز ازدیاد و مأمورین دولتی از جلوگیری عاجز میباشند

حبل المذنب

در خصوص گرفتاری نصرالدوله و قوام الملک سابق هم اخبار مذکور و سایر جرائد انگلیسی نوشته ما نیز نوشتیم و سپس کذب این خبر ظاهر گردید بنازگیکه وقایع نکار باینتر نوشته ما را هیچ گونه اطلاعی نرسیده است، و صحت و سقم این خبر را ذمه دار نیستیم، ولی از قرائنکه در دست هست گویا این خبر مقروء نصیحت نباشد و همان خبر اولیه است که تجدید نموده

تلگراف مخصوص

(از طهران - ۱۷ ذیحجه)

شانزدهم ذیحجه هیئت دیپلماتی دول بدربارحاضر و رسا جناب عضدالملک نایب السلطنه را تبریک نمودند کابینه جدید وزرا ازین قرار بمجلس معرفی شدند، سپهبد اعظم وزیر جنگ و رئیس الوزراء - سردار اسعد وزیر داخله - مشیرالدوله وزیر عدلیه - وثوق الدوله وزیر مالیه - سردار منصور وزیر پرست و تلگراف - صنیع الدوله وزیر معارف علاء السلطنه م وزیر خارجه

کابینه وزرا جز جناب مشیرالدوله وزیر عدلیه همان کابینه موقتی است که حالا رسیت و امتداد حاصل نمود، چیزی که داعی بر بشارت قلبی ماست هما اتحاد مجلس با کابینه و اعتماد آهست وزرا و این نکته تکذیب می باید انتشارات کادیه برخی حراند را که میبوشند وکلا با کابینه وزرا متفق میباشد و امراد وزرا ما یکدیگر متحد نیستند و بهترین دلیل اتحاد سردارین « که خدایشان محوط دارد » این است که هیئت وزراء از روی قانون و حسب انتخاب و میل رئیس‌الوزرا است و اینکه رئیس‌الوزرا همان وزرای سابق را همان عهده‌های اولیه مضور نموده علاوه بر اتحاد مبی بر این بوده است که رئیس‌الوزرا کمال اعتماد را بدرست کاری و کردانی سائر همصهران خود داشته است و بالااصله این نکته بشارت میدهد مارا بسعادت آتیه ایران ،

مرکس واقف بحالات مشیرالدوله مانند تصدیق خواهد نمود که موزون ترین رجال ما برای وزارت عدلیه مشیرالدوله است و ما بطر بمحسن طی که سالهاست بایشان داریم امید میکنیم که عدالت‌خانه‌های ایران عنقریب از روی علم معنویت پیدا نماید و تا امروز از وزارت عدلیه جز اسم و صورت ظاهری نداشته ایم، مشیرالدوله قادر است که اگر بحول و قوه آلهی عاقلی در جلو او نیاید این وزارت خانه که روح مشروطیت و روان حریت و مساوات است از روی علم شاورده صحیح در تمام ایران برقرار دارد، ما منتظریم که جرائد طهران حسن اقدامات ایشان را در وزارت عدلیه گوشزد آحاد ملت نمایند

انتخاب وثوق‌الدوله بوزارت مالیه که شخصی است عالم و مدیر و مدبر نیز بزرگترین بشارتها را ما میدهد که اشاعه عمیق مالیه دولت بشکل بسیار صحیح علمی در آید و ابواب قلب درین وزارت خانه که محاط و مربوط بمجمیع وزارتخانه‌هاست و جهت گردش جمیع وزارتات و ادارات بسته بحسن انتظام اوست لباس واقفیت پوشد، وزارت مالیه ما در حقیقت تا امروز اسمی بلا رسم بوده

و مرکس بوزارت مالیه منتخب شده ولو هم ظلم بوده از عهده وظائف خود کایلیق بر نیامده است و امیدواریم جناب وثوق‌الدوله جوهر لیاقت خود را بقسمی درین وزارت اراز دهد که حسن ظن ملت را در حق خود بموقع تصدیق رساند، هرگاه ایشان معای لا یخجل مالیه ایران را بحسن اقدامات عالمانه صادقاته خویش تسویه نمایند بزرگترین نام تاریخی را برای خود جلب نموده و حتی بسیار عظیم بر وطن عزیز خود قائم خواهند نمود ، ما با قلبی بشاش و زبانی قاصر هیئت کابینه جدید را تبریک میگوایم

تلاکراف از طرف اعضای مجلس
(پارلمان انگلیس به مجلس ایران)

رئیس مجلس طهران —

مجلس پارلمان منقذ نیست، اما ما از طرف تمام آنهاییکه چه در داخل پارلمان و چه در خارج او هستند و همدردی ما ایران دارند تبریکات بسیار دوستانه خود را بپارلمان ایران در موقع تجدید انعقاد میفرستیم ، زنده باد ایران و زنده باد قانون ایران
لورد لیننتون (از اعضای مجلس سنا)

مستر لئنج (از اعضای پارلمان)

معلم براون معروف

جبل‌المنین

احسان حریت بروران انگلیس در برقراری مشروطیت ایران نه با اندازه است که ما بتوانیم از عهده تشکر آن بر آیم این تلاکراف محبوبانه نیز مزید بر محبت ایرانیان سبب بملت نجیبه نوع خواه حریت برور انگلیس گردید ابرایان قدر خدمات این ملت حریت خواه را همراه خواهند دانست و در تاریخ مل انگلیسان را مؤید حریت خود یاد خواهند نمود ، چون کارها ناتمام مانده ما هنوز موقع ادای تشکرات صمیمی خود را نیافته ایم و اشاعه عنقریب آن موقع را خواهیم یافت که از درون جان و بن دندان بگوایم زنده باد ملت حریت خواه انگلیس حامی و مؤید مشروطیت ایران

الملك

(هند و برمه)
(۱۲ روپه — ۷ روپه)
(ایران و افغانستان)
(۴۰ قران — ۲۰ قران)
(عمانی و مصر)
(مجیدی — ۳ مجیدی)

(کلیه امور اداره با)
(مدیر کل مؤیدالاسلام است)
(هر دو شنبه طبع)
(سه شنبه توزیع میشود)

اعتشاشات ایران

(و جراند اروپا)

جراند اروپا يك قلم اعتشاشات ایران را موضوع بحث قرار داده هرکدام برای آن علتی ذکر نموده نتیجه هم بخوبی خود حاصل کرده اند ، روزنامه سیدال مینویسد -

اعتشاشات ایران بیخ در پیچ و علقش بسیار و عاقبتش وخیم است و آنچه به تحقیق پیوسته علت العلل اعتشاشات مرکز است ، نه تنها رؤسای مرکز مائل بامنیت عمومی نمیباشند بلکه نیران این اعتشاشات را بالعلن دامن میزنند ، چنانچه وقایع نکار ما از تبریز می نویسد . که اختلافات مرکز مخر السلطنه والی تازه آذربایجان را جداً از کار باز داشته و علناً مانع از پیشرفت کار اویند ، و اگر مخر السلطنه را گذارده بودند در اول ورود خویش قشون روس را از آذربایجان اخراج نموده بود . مخر السلطنه خیلی در عسر و جرح گرفتار است از يك طرف اهالی تبریز نکته را فهمیده و برا تعقیب نموده اند ، از طرف دیگر مخالفت با مرکز نمیتواند نمود ، آنچه به تحقیق پیوسته قیام قشون روس در ایران اجباریست نه اختیاری یعنی مرکز مائل باخراج آن نمیباشد

یکی از دامانیان با سیاست تبریز که در قونسلحاه روس ملازم و ایرانی است محرمانه به نکارنده اظهار داشت که مرکز مائل نیست قشون روس از فشار آذربایجان باز ایستد - چه در تمام ایران ملتی که جلوگیری از اجحافات مرکزیان به نماید همان اهالی آذربایجان است و همین که آنها در فشار مانند سخت از خیالات مرکز جلوگیری نتواند نمود پیش آمد واقعه اردبیل را دو علت بود اول اینکه قشون روس که از دور تبریز کم شده از طرف دیگر زیاد شود ، دوم داغ باطله برنام ستارخان که

محبوب اقارب تمام ایران و باصطلاح ترکات نقطه صادقه است) زدن و شاید باین وسیله محبوب القلوب او در ملت زائل شده بی وجود و غیر دایر جیان تصور شود ، ورنه وخامت اوضاع اردبیل از قبل حرکت ستارخان معلوم بود ، چرا نباید قبل از وقت تداریکه امروز برای اردبیل دیده شده دیده باشند تا ستارخان مجبور به بازگشت نگردد ، تبریز برای پادشاه فوری بی مابن نکته برده این بود که در بازگشتش بقسی پذیرائی نمودند که در خور سرداران فاتح بود و اینها تمام دستور العملهای روس است که برگزیدگان طهران بموقع احرا میکنند و - و - و روزنامه (ویلر) از وقایع نکار خود در طهران چنین خبر یافته - در اعتشاشات مکنونی اطراف برگزیدگان را بی دخالت نمی بندارند و عقیده شان این است که برخی خام طمعان ایران را از جنوب و شمال بی خود تقسیم نموده و با منتهای سرعت در نفوذ کلمه خویش در منطقه تصور میکنند و تمام همشان این است که قوای قویه در اطراف برای خود جمع نمایند و این ممکن نیست جز به تحریک اعتشاش و ناامنی و درین میان مأمورین روس واسگیس هم دارند در جنوب و شمال آتش فته را نرم نرم دامن میزنند ، عجیب تر آنکه هریت از این دو دولت مثل زمان محمد علی میلان خود را بيك پارتی ظاهر میدارند

مستوفی الممالک وزیر مالیه سابق که در شرکت با کابینه جدید امتناع نمود مبنی بر این بود که وزرا جداً استقراضی را قبل از انعقاد مجلس خواستکار بودند مشارالیه زیر این بار نبرفت چنانچه مشهور است در یکی از مجالس بیان نموده بود که این استقراض با قرضه که محمد علی بعد از اعلان مشروطیت درین آخر وقت میخواست به نماید مساوی و وجه آهم

بيك راه صرف ميگردد و من هرگز زيربار جنبن
مستوابي عظيم نتوانم رفت، رؤساي ملت را عقیده
این است که سردار اسعد در جنوب و سردار اعظم
در شمال هر قدر میتوانند بر قوت و اقتدار خود
می افزایند تا ازین خوف مجلس قصد عزل آنها را
نمایند و سردار اسعد مانند وکیل انگلیس و سپه دار اعظم
مثل وکیل روس بر نمود و اقتدار دولتین دارند
می افزایند، این استعاش و کایه غارتها که شده
مسئول آنها را باید دانست و قطعاً این ملک اگر
تا دیر باز باقی بماند معاهده روس و انگلیس در
موقع اجرا خواهد در آمد و - و - و

جبل المتین

بزرگترین شاکر مستبدین بیدین این گونه
جملیات است که میخواهند باین وسائل دامان پاك
رؤسای ملت را آورده و غبار سكدري در قلوب
ملت از فدائیان حقیقی ملت و هوا داران صمیمی
مشروطیت جای دهند، ظالم است که این تیر زهر
آورد اگر خدای ناخواسته بر قلوب ملت جای نماید
مراد مستبدین حاصل میگردد

نظر بر اینکه ملت محبوب غایت وثوق و اعتماد
را باین اداره ملی اسلامی (که پیر نلام صادق
وطن عزیز است) دارند با اطلاعات کافی که در
جزئی و کلی امور داریم رسماً تکذیب می نمایم
جمیع نکارشات وقایع نکاران جرائد مذکوره را،
مصادر امور طهران خاصه سرداران ملی که در
راه مشروطیت سر بکف گرفته در میدان مستبد
اعظم آمده از مال و جان و اهل و عیال و طایفه
و عشیره گذشتند تا این شاهد مقصود را در آغوش
ملت جای دادند، شان و مقامشان بالاتر از این
اکاذیب و جنایات و جایگاهشان در قلوب ملت
منزه تر ازین است که این گونه اراجیف بر مقام
منبع شان ریخته افکند

امر مشتبّه نشود ما نمیکوایم مصادر امور
سپه نکرده و یا نمیکند ولی قائلیم بر این که عمداً
خطا نرفته اند چه بعقیده ما بزرگترین سپه سردارین
قبول وزارت است چنانچه بارها در اخبار نوشته
و بخودشانم کتباً نکاشتم و قصدمان فقط این بود
که این قوای قویه ملت مستصل و سکت در
وزارت نشود مانند شوکت پاشا و حزب او، خواستیم
وزیر ترانس باشند نه وزیر، و درین موقع کمال تمجید

را از دیپلمات اعظم ایران و حسن حسین مشروطیت
آقای ناصر الملک می نمایم که این نکته باربک و
التفات فرموده قبول وزارت نه نموده و پیش از
آنچه در وزارت خدمت نمایند امروزه مصدر خدمات
عالیه ملیه میگرددند

در مسئله اردبیل و اعزازاتیکه به سران
قوام الملک شیرازی داده شده نیز مصادر امور بدون
شبهه سپه فرموده و وخامت او را هم گویا ملت
شده باشند ولی اینها - و - تدبیر بوده نه خطای عمد
بالجمله تا جایکه ما ادالاع داریم توجهات ملیا
بسردارین و سایر مصادر امور همه روزه در ازدیاد
است و از اشاعه این گونه اراجیف قدری دلسرد
شده بودند و درین دور خواستند خود را از
زیر بار وزارت بک دوش نمایند، خیر خواهان
ملت دست از دامان ایشان رها نه نمودند و جناب
ناصر الملک و سایر خیر خواهان جداً کوشیدند و
چنان اتحادی بین رؤسای ملت و وکلا و وزرا
برقرار داشتند که هیچ وقت جنب اتحادی بین ملت
و دولت در ایران دیده نشده بود و اینک دست
بدست داده چنانچه باید و شاید در پیش رفت امور
کار میکنند و بزرگترین خوشبختیا که برای ایران
متصور بود همین است و ما این اغتشاش کنونی را
دارای هیچگونه امیتی در جنب این انقلاب عظیم
نمیدانیم و اطمینان داریم که بزودی رفع خواهد شد
آنچه را از قول وزیر مالیه مستبدین جعل
نموده بوقایع نکارات مذکور بیان کرده اند
مانند سایر جنلیات است چون مستوفی الممالک از شرکت
در کابینه استکفای نموده مستبدین این سخنان را بر
او چپانده اند، راست است که مستوفی الممالک در
غیاب مجلس ذمه داری استقراض را نه نمود و علت
آن این بود که تدارك آن مقدار وجه را بدون
استقراض نموده بودند چنانچه حرکت اردو علیه
بی درین بار دلیل این نکته را آشکار میدارد

مکرر گفته و میگوایم که افق ایران در
آیه از هر حیثیت منور و هیچ گونه نا امیدي و
اسباب یاس برای ایرانیان موجود نیست و قشون
خارج هم چنانچه آمده باندامت مغرب باز خواهند
گشت امیدواریم اتحاد کنونی ملت و دولت همواره
برقرار و خلوص نیت مصادر امور و وکلای و رؤسای
ملی همواره قائم و باقی ماند

شیراز

(وقایع نگار ۱۰)

(۶ ذیحده ۱۳۲۷)

اوضاع فارس همه روزه دارد کسب و خامت میکند خاصه از وقتی که بعضی مصلحن خواستند بین صولت الدوله قشقانی و نصرالدوله پسر قوام صلح بدهند که تمام دزدیهای فارس - انتلابات فارس - اغتشاشات شهر و بلوکات ازین اختلاف برخسته و درین میان رعیت بیچاره با سوز می شود. ظاهراً میگویند رفع تقار از آنها شده ولی باطناً بر عداوتشان افزوده است چرا که چون بدقت مینگرم اغتشاشات خارج بداخل شهرم سرایت کرده پارتیهای عدیده تشکیل و روز بروز بر اقتدار ایالت حدمه وارد می آورد خاصه از وقتی شیخ الملک رئیس عدلیه وارد شیراز گردیده است، شبهه نیست که سهام الدوله شخص کارکن مشروطه خواهی است ولی دارای دو نقص میباشد، اول اینکه از اوضاع طبیعی و اخلاق فارس هیچگونه اطلاع ندارد و آنچه تاکنون نموده یا طبع زاد خودش بوده و یا اقتباس از یکفرقه است صکه با آنها مربوط میباشد، مسلم است خیالات طبع زاد ایشان اگر دو به صواب باشد یکی هم بخطا خواهد بود و مقتضیات از دیگرانهم نتیجه یک رخه است

دوم سهام الدوله اگرچه بامنتهای زحمت و دقت صورت ظاهری برای ادارات ترتیب داده ولی منتهای میش این است که شخصاً تصرفات نام، در تمام ادارات داشته باشد و حال آنکه این امر منافی با اصول اداره است هرگاه اداره دائر شد اعضای آن باید بر طبق قانون آزاد باشند و بدون خوف و رجا خارجی بوظائف خود عمل نمایند و دره فرق با زمان استبداد نخواهد داشت، تصرفات ایشان در ادارات چنانچه خیرخواهان ایالت میگویند برای تکمیل است، دیگران می پندارند اطرافها باسم ایالت تصرف نموده و یا ایالت را وادار به تصرف مینمایند هر حال وضعی که برای ایالت پیش آمده خوش طاقبت معلوم نمی شود حمله بر قوئل روس از سازشاپست که بیبج وجه پوشیده نمیتوان داشت و وسای در هرمنطقه دارند بوسیله روسی پرستان آتش فتنه را دامن زده بهانه برای خود حاصل مینمایند خطاوند ریشه وطن فروشان را از ایران بر کنند

شیخ الملک را البته بخوبی میشناسید از بدو ورود بشیراز با سهام الدوله مخالفت آغازید و سبب هم همان تصرفات ایالت در امور عدلیه است که ایشان زیر بار نرفته و میتوان گنت شیخ الملک یک پارتی علنی برخلاف ایالت تشکیل داده رعب و هیبت ایالت را کم دارد از قلوب خاص و عام میزداید جناب حامی شیخ آقای مجتهد، جناب آقا سید ابراهیم مدرس و آقا شیخ علی مدرس و آقا میرزا محمود مروف به بانگ بوکالت مجلس انتخاب و بطهران رهسپار خواهند شد سابق چهار نفر وکیل هم از طهران انتخاب کردند و اگر سهام الدوله نبود و تا ایندرجه سای نمیگردید خارج از امکان می بود که وکلای شیراز باین زودی تعیین شوند خرج راه وکلا نیز معین گردید

اعضای انجمن ایالتی هم منتخب شدند و همچنین رئیس و نایب رئیس و ذویه، الحاق سهام الدوله تمام کارها را تحت انتظام آورده ارا اعضای انجمن ایالتی اغراض شخصی را کنار گذارده بخواهند کار بکنند اسباب کار مهیا شده است ولی شیرازی و کارهای صحیح کردن منوط بدیدن است حسن ظن و تصور در حق شان نباید مورد تعجب واقع گردد

تلگراف طهران به ولایات

در ماه گذشته تلگرافی بموم فرمائرمایان و حکام کرده بودم که صورت قصبات و بلوکات و قراء و عده تخمین خانوار و ایلات سکنه را زودتر بمعاونت انجمنهای ولایتی نوشته برای وزارت داخله بفرستید، چون تا امروز چیزی نرسیده لازم است هرچه زودتر این صورت برسد، تا کیداً زحمت میدهم بدون هیچگونه تاخیر صورتهای فوق را حاضر کرده با پست روانه فرمائید تا از روی ادلعات صحیح اقداماتیکه در نظر است بموقع اجرا گذاشته شود (وزیر داخله) ۱۴ ذیحده

تلگراف حضرات آیات الله بولایات

از قصر - توسط مجلس عالی - سایر بلاد توسط انجمنهای ایالتی و ولایتی، خدمت عموم آقایان اعظام علماء اعلام و قاطبه ملت ایران دامت تائیداتهم کثرت سن و عدم معاشرت و عالم نبودن جناب آخوند ملا قربانعلی زنجانی بمصلح و مفاسد مملکت و اجتناع اشرار و مفسدین وطن فروش در اطراف ایشان موجب اغتشاش مملکت و اختلال آسایش و

مداخله اجانب و اعدام اسلام است دفع تفریق تمام
مفسدین که دور ایشان را گرفته بر اولیای دولت
و قاطبه مسلمین واجب فوری و اتباع احکام و آراء
منسوبه بایشان مطلق حرام و اعتناء بآنها دشمنی
بدین اسلام است (اعاذالله المسلمین عن ذلك)

محمدکاظم الخراسانی - عبدالله المازندرانی ۱۴ ذیحجه

حبل المتین

غالبه زنجان بمحاده یصل یافت و ملا قرباس
هم به کیفر اعمال خود رسید

دابل توجه وزارت مالیه

(و وزارت جنگ)

(راپورت سیستان در خصوص اصلاحات)

(لازمه فوری)

اگرچه این قطعه از وطن عزیز ما از مراکز
بسیار دور افتاده ولی اهمیتش باین اندازه هست که
اولیای دولت با کثرت مشاغلی که دارند نظر توجیهی
هم باین صفحات فرمایند ، قطعه سیستان که در
سرحد افغانستان و بلوچستان واقع و به ملاحظه
پلتیک دولتن انگلیس و روس میجوقت خالی از
اهمیت نخواهد بود اوضاعش بکلی مختل و اصلاحاتش
فوراً جالب دقت است

اولاً مایه سیستان عبارت از -الی سی و سه
هزار خروار جنس و شازده هزار تومان نقد
موافق تعدیل مستصرا الملك است ، جنس همه ساله از
دولت به دو تومان چیزی کمتر یا زیاد تر خریده
میشود در صورتیکه در محل همیشه خرواری چهار
الی پنج تومان به فروش می رسد ، اگر وزارت
مالیه مستقیماً متصدی وصول عین جنس یا مطابق
قیمت عادلانه تسعیر نماید سالی متجاوز از سی هزار
تومان به دولت اضافه باید خواهد شد - تا کنون این
مبلغ را با اطلاع حکومت محل کسیدند علاوه را از دیوان
می خرید به شراکت مستأجرین می برد - چون اعضای
انجمن اینجا هم غالباً مستأجرند لذا ابدأ به مقام اخذ
حقوق دیوانی بر نیامده سهل است تلگراف به طهران
نموده می خواهند مالیات هذه السنه را به دو تومان
از دولت بخرند در صورتیکه خرواری چهار تومان
بلکه بیشتر در محل به فروش می رسد

ثانیاً حکومت سیستان قسمتی از اراضی دولت
را پس از تعدیل آباد کرده و یا اینکه به آبادی
قراء تعدیل شده افزوده است و حقوق دیوانی این

قسمت اراضی را می برد ، هرآینه وزارت جلیله
مالیه عطاب نظر باین فقره نمایند سالی متجاوز از
بیست هزار تومان از این محل املاک باید جزانه
عامه خواهد شد

ثالثاً حقوق چهار صد و بیست نفر سوار و
پانصد نفر سرباز با بیست و شش نفر توپچی که
تقریباً سی هزار تومان میشود بخرج مالیه سیستان
می آید در صورتیکه هیچوقت بیست نفر سوار و
بجاه نفر سرباز به قاعده حاضر نیست ، جهتش هم
اینست که سواران را ابوالجلی مستأجرین قرار نموده
و حقوق آنها را مستأجرین با اطلاع حکومت تمام و
کمال در اول سال از مالیات دیوانی کسر گذاشته
هنگام حاضر کردن سوار هم چون از طرف حکومت
خاطر جفتد که سخت گیری نخواهد شد به فقره
و تامل می گذرانند ،

اما سربازان - يك قسمتی متوی و غائب اند ،
قسمت دیگر هم چون حقوقشان از حکومت مرتب
نمیرسد بعضی مشغول فعلکی و حالی خصوصاً این
روزها گدائی هم می کنند ، برخی شب و روزشانرا
در شیرخانه های سیستان که لا تعد و تحصی است
میگذرانند

بی نظمی قشون سیستان باعث انتشار سایر
امورات اینجا از قبیل امتناع از ادای مالیات و
سلب امنیت و هرج و مرج و قتل و سرقت گشته
است در صورتیکه با همین میزان حقوق ممکن است
هواره در سیستان متجاوز از شصده نفر سوار و
سرباز و توپچی منظم در سربازخانه که در اینجا
وجود ندارد حاضر داشت که به يك فرمان ریس
قشون به هرجا خواسته باشند حرکت نمایند ، امروز
بر وزارت جنگ فرض و لازم است که يك نفر
شخص نقای عالم و بی غرضی را مأمور سرحد
داری و فرماندهی قشون سیستان نموده مجبلاً
رواه این صوب نماید تا اینکه بواسطه اصلاحات این
اداره مهمه اصلاح سایر معایب گردد هرآینه که این
امر به تأخیر بینند دولت دو چار اشکالات صعبتر
از این خواهد گردید چه مستأجرین این قطعه اغلب
بلوچ و صاحب طایفه و استمدادند بی قدرتی دولت
را در این نقطه مشاهده کرده بر جسارت خود
خواهند افزود - خصوصاً که دست محرکین داخلی و
خارجی هم در کار باشد